فصلنامهٔ گویش‌پژوهی
نشریهٔ علمی پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری
شاپا چاپی: ۵۲۲۵-۲۶۷۶
دورهٔ ۱، شمارهٔ ۳، پائیز ۱۴۰۴

زازایی: یکی از گویش‌های زبان گورانی

Zazayi: One of the Dialects of the Gorani Language

سید مهدی سجادی[۱] ✉
[۱] دانش‌آموختهٔ دکتری تخصصی زبان‌شناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. نویسنده مسئول: m.sadjadi58@yahoo.com

Seyyed Mahdi Sadjadi[1] ✉
[1] PhD in Linguistics, Tehran University, Tehran, Iran. Corresponding author: m.sadjadi58@yahoo.com

اطلاعات مقاله

تاریخ‌ها
دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۱۷
پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۲۸

واژگان کلیدی
زبان‌های ایرانی
زازایی
گورانی
کردی
تحلیل مقابله‌ای

چکیده

زازایی گونهٔ زبانی ایرانی است که عمدتاً در بخش‌هایی از شرق ترکیه به آن تکلم می‌شود. جایگاه این گونه در میان زبان‌های ایرانی و رابطهٔ آن با گورانی و کردی همواره محل اختلاف نظر بوده است. پژوهش حاضر با هدف اصلی بررسی این جایگاه و تعیین نسبت زازایی با گورانی و کردی، این پرسش را مطرح می‌کند که آیا زازایی زبان است یا گویش. فرضیهٔ پژوهش آن است که زازایی یکی از گویش‌های زبان گورانی، از زبان‌های مستقل شاخهٔ غربی شمالی زبان‌های ایرانی، است. هدف فرعی پژوهش نیز بررسی دیدگاه سجادی است که گورانی را زبانی مستقل و متمایز از کردی و کردی را نه زبانی مستقل، بلکه گونهٔ زبانی آمیختهٔ مادری‌شده و در واقع گونه‌ای از فارسی می‌داند. داده‌های پژوهش با استفاده از شواهد زبان‌شناختی و ادبی، عمدتاً از منابع مکتوب و در موارد لازم، با بهره‌گیری از دانش و شمّ زبانی نگارنده به‌عنوان گویشور بومی گورانی و مسلط به کردی و فارسی، گردآوری و با روش تحلیل مقابله‌ای بررسی شده‌اند. یافته‌ها فرضیهٔ اصلی و دیدگاه سجادی را تأیید می‌کنند. بر این اساس، تفاوت‌های زازایی با دیگر گونه‌های گورانی عمدتاً ناشی از گسست جغرافیایی و تاریخی، فقدان تماس با گوران‌های ایران و عراق و تأثیر زبان‌های ترکی، ارمنی، کردی (کرمانجی)، عربی و فارسی است. نتایج پژوهش می‌تواند در بازنگری جایگاه زبان‌های ایرانی، مستندسازی و تدوین دستور و فرهنگ زبان‌ها و نیز مطالعات تاریخی و فرهنگی سودمند باشد.

Abstract: Zazaki is an Iranian linguistic variety spoken predominantly in parts of eastern Turkey. Its position within the Iranian languages and its relationship with Gorani and Kurdish have long been subjects of scholarly debate. The primary aim of this study is to examine the position of Zazaki and determine its relationship with Gorani and Kurdish. It addresses the question of whether Zazaki should be classified as a language or a dialect. The study hypothesizes that Zazaki is a dialect of Gorani, an independent and distinct language belonging to the Northwestern branch of Western Iranian. Its secondary aim is to examine Sajjadi's view that Gorani is an independent language distinct from Kurdish, whereas Kurdish is not an independent language but rather a nativized mixed linguistic variety and, in fact, a variety of Persian. The data were collected from linguistic and literary evidence, primarily drawn from written sources and, where necessary, supplemented by the author's linguistic knowledge and intuition as a native speaker of Gorani with proficiency in Kurdish and Persian. The data were examined through contrastive analysis. The findings support both the main hypothesis and Sajjadi's view. Accordingly, the differences between Zazaki and other Gorani varieties are largely attributable to geographical and historical separation, the absence of contact with Gorani speakers in Iran and Iraq, and the influence of Turkish, Armenian, Kurdish (Kurmanji), Arabic, and Persian. The findings may contribute to reassessing the classification of Iranian languages, linguistic documentation, grammar and dictionary compilation, and historical and cultural studies.

History
Received: June 07, 2025
Accepted: Aug. 19, 2025

Keywords
Iranian Lanaguages
Zazayi
Gorani
Kurdish
Contrastive Analysis

استناد: سجادی، سید مهدی (۱۴۰۴). زازایی: یکی از گویش‌های زبان گورانی. *گویش‌پژوهی*، ۱ (۳)، ۴۷-۷۰.
https://doi.org/

© ۱۴۰۴ (۲۰۲۵) نویسندگان مقاله، فصلنامهٔ گویش‌پژوهی، مجلهٔ علمی پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری.

۱. مقدمه

با توجه به گوناگونی زبانی در ایران، مطالعه و بررسی گونه‌های زبانی ایرانی به‌طور کلی و گونه‌های زبانیِ در معرض خطر به‌طور خاص و نیز بررسی جایگاه و رابطهٔ آن‌ها با همدیگر از اهمیت زیادی برخوردار است، به‌گونه‌ای که لازم است جزو اولویت‌های مطالعات و بررسی‌های زبان‌شناختی ایرانی باشد. دو مورد از این گونه‌های زبانی ایرانی، زازایی و گورانی هستند.

گورانی یکی از زبان‌های متمایز و مستقل شاخهٔ غربی‌شمالی زبان‌های ایرانی است که در بخش‌هایی از سه کشور ایران، عراق و ترکیه به آن تکلم می‌شود. زازایی که زازاکی و دیمیلی یا دیملی نیز خوانده می‌شود، از گونه‌های زبانی ایرانی است که عمدتاً در شرق ترکیه به آن صحبت می‌شود. دربارهٔ جایگاه این گونهٔ زبانی دیدگاه‌های مختلفی ارائه شده است که در بخش پیشینهٔ پژوهش، به آن‌ها پرداخته می‌شود.

پژوهش حاضر دارای یک هدف اصلی و یک هدف فرعی است. هدف اصلی، بررسی جایگاه زازایی در میان زبان‌های ایرانی به‌طور کلی و رابطهٔ آن با گورانی و کردی[۱] به‌طور خاص به‌منظور پایان دادن به اختلاف نظرها در مورد جایگاه آن در میان زبان‌های ایرانی و رابطهٔ آن با گورانی و کردی است. پرسشی که پژوهش در رابطه با هدف اصلی در پی پاسخ به آن است، این است که آیا زازایی گویش است یا زبان. فرضیهٔ مطرح‌شده در پاسخ به این پرسش آن است که زازایی یکی از گویش‌های زبان گورانی است. هدف فرعی، بررسی و آزمودن دیدگاه سجادی (۲۰۲۳) است مبنی بر اینکه «گورانی زبانی متمایز و مستقل نه گونه‌ای از به‌اصطلاح کردی و کردی نه زبانی متمایز و مستقل، بلکه نوعی گونهٔ زبانی آمیختهٔ[۲] مادری‌شده[۳] و در واقع، گونه‌ای فارسی است». در راستای اهداف پژوهش از شواهد زبان‌شناختی و ادبی به روش تحلیل مقابله‌ای[۴] استفاده شده است.

۲. پیشینهٔ پژوهش

در این بخش به برخی از پژوهش‌های انجام‌شده دربارهٔ زازایی و در نتیجه، دیدگاه‌های متفاوت در مورد جایگاه آن در میان زبان‌های ایرانی به‌طور کلی و رابطه‌اش با گورانی و کردی به‌طور خاص پرداخته می‌شود.

لرچ[۵] (۱۸۵۷: ۸) و مولر[۶] (۱۸۶۴) زازایی را گویشی کردی معرفی کرده‌اند هرچند فهم آن برای گویشوران دیگر گویش‌ها مشکل است. مان[۷] در سال ۱۹۰۶ از اصطلاح «گویش‌های گورانی» استفاده کرده و آن‌ها را «اولاد زبان مادی باستان (نوادگان زبان مادی باستان)» دانسته است، اما سه سال بعد با اشتیاق کمتری، گورانی و زازایی را به‌عنوان گویش‌های مرکزی تعریف کرد (همان: ۱۹۰۹). وی (همان: XXIIIn) نخستین کسی بود که اظهار داشت تفاوت‌های بین زازایی و گورانی از یک سو و کرمانجی و سورانی از سوی دیگر، آن‌قدر زیادند که نمی‌توان از آن‌ها به‌عنوان گویش‌های مختلف یک زبان نام برد و تأکید داشت که زازایی و گورانی گویش کردی نیستند و شاخهٔ جداگانه‌ای از زبان‌های ایرانی را تشکیل می‌دهند. سوان[۸] (۱۹۲۱) هم چند سال بعد مستقلاً به نتیجه‌ای مشابه نتیجهٔ مان (۱۹۰۹) رسید. تدسکو[۹] (۱۹۲۱) از زازایی به‌عنوان گویشی مرکزی نام برده است. هدنک[۱] (ویراسته و چاپ مان، ۱۹۳۲) زازایی را

---

[۱] در سراسر مقاله هر جا از «کردی» نام برده می‌شود، منظور این است: «آنچه امروزه از آن با عنوان کردی یاد می‌شود.» چرا که هنوز یک تعریف علمی زبان‌شناختی دقیق همراه با مصداقی که بتواند مؤید ادعاها در باب این گونهٔ زبانی باشد، وجود ندارد (سجادی، ۱۴۰۴).

[2] pidgin
[3] creolized
[4] contrastive analysis
[5] P. I. A. Lerch
[6] F. W. K. Müller
[7] O. Mann
[8] AE. B. Soane
[9] P. Tedesco

زبانی مستقل قلمداد کرده است. مینورسکی[۲] (۱۹۴۳: ۸۸، ۸۹) زازایی را یکی از گویش‌های گروه گورانی و گورانی را بسیار متمایز از کردی دانسته است. چلبی[۳] (۱۹۸۶) در کتاب چهارِ سیاحت‌نامه‌اش، زازایی را به‌عنوان یکی از شانزده (در جای دیگری، پانزده) گویش کردی فهرست کرده است. لیزنبرگ[۴] (۱۹۹۳: ۱، ۱۸) اصطلاح «گوران یا زازا» را به‌کار و از گورانی و زازایی به‌عنوان دو گویش نام برده است که به لحاظ زبان‌شناختی کردی نیستند و می‌گوید که آن‌ها همچون کرمانجی و سورانی متعلق به شاخهٔ غربی‌جنوبی زبان‌های ایرانی نیستند هرچند عموماً اعتقاد بر این است که هر دو گروه به شاخهٔ غربی‌شمالی زبان‌های ایرانی تعلق دارند. وی (همان: ۶، ۱۰) می‌افزاید که گویشوران زازایی و گورانی تفاهم متقابل به‌مراتب خیلی آسان‌تری نسبت به گویشوران زازایی و کرمانجی یا گورانی و سورانی دارند. هرچند زازاها به لحاظ جغرافیایی از هورام‌ها[۵] دور هستند، اما به لحاظ زبان‌شناختی زازایی و هورامی خیلی به هم نزدیکند. پاول[۶] (۱۹۹۸: ۱۷۴ و ۲۰۰۹: ۵۴۵) بر این باور است که زازایی همراه با گورانی در میان شمالی‌ترین گویش‌های ایرانی غربی کنونی‌اند و زازایی بسیار به گورانی تزدیک است تا کردی. به گفتهٔ اوشیا[۷] (۲۰۰۴) زازایی دارای ویژگی‌های مشترکی با گورانی است و گوران‌ها دارای زبان متمایز هستند. به باور گونتر[۸] (۲۰۰۴: ۴۳، ۴۴) زازایی با گویش کردی گورانی مرتبط است که برخی آن را زبان می‌دانند و این دو احتمالاً گویش‌های کهن‌تر کردی هستند. بلو[۹] (۱۳۸۳: ۵۵۵) از زازایی و گورانی به‌عنوان دو زبان گروه غربی‌شمالی زبان‌های ایرانی یاد می‌کند که نمی‌توان آن‌ها را به کردی منسوب دانست چرا که تحولات خاص کردی را متحمل نشده‌اند. ارانسکی[۱۰] (۱۳۸۶: ۱۴۴، ۱۴۶) هم گورانی و هم زازایی را زیر عنوان «گویش‌های ایران مرکزی و غربی ...) فهرست کرده است. از دیدگاه ورنر[۱۱] (۲۰۱۲: ۸) زازایی با گورانی/ هورامی مرتبط است و روند تحول زازایی با کرمانجی متفاوت بوده است اگرچه در طی قرون به هم نزدیک شده‌اند. رخزادی (۱۳۹۰: ۳۵، ۳۶) زازایی و گورانی را یک گویش، گورانی– زازایی، دانسته و از آن به‌عنوان یکی از گویش‌های کردی نام برده است.

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، در دیدگاه این پژوهشگران راجع به جایگاه زازایی در میان زبان‌های ایرانی به‌طور کلی و رابطه‌اش با گورانی و کردی به‌طور مشخص یک‌دستی و اتفاق نظر وجود ندارد. این اختلاف نظرها را می‌توان به شرح زیر به‌طور خلاصه دسته‌بندی نمود. آن‌هایی که: الف) زازایی را گویشی کردی دانسته‌اند، مانند لرچ، مولر، چلبی، گونتر، رخزادی. ب) از زازایی همراه با گورانی به‌عنوان گویش‌های مرکزی نام برده‌اند، مانند مان (۱۹۰۶)، تدسکو و ارانسکی. ج) از اصطلاح «گویش‌های گورانی» استفاده کرده‌اند، مانند مان (۱۹۰۶). د) زازایی را گویش کردی معرفی کرده‌اند که فهم آن برای گویشوران دیگر گویش‌ها مشکل است، مانند لرچ و مولر. ه) زازایی و گورانی را کردی قلمداد نکرده‌اند، بلکه آن‌ها را متعلق به شاخهٔ جدایی از زبان‌های ایرانی (شاخهٔ غربی‌شمالی) دانسته‌اند، مانند مان (۱۹۰۹)، سوان، لیزنبرگ، بلو. و) زازایی را زبانی مستقل معرفی کرده‌اند، مانند هدنک. ز) از زازایی به‌عنوان یکی از گویش‌های گروه گورانی یاد کرده‌اند، مانند مینورسکی. ح) اصطلاح «گورانی ـ زازایی» را به کار برده و این دو گونهٔ زبانی را به‌عنوان دو گویش آورده‌اند، مانند پاول، گونتر، ورنر، مان (۱۹۰۶). ط) از اصطلاح «زبان» هم برای زازایی و هم گورانی استفاده کرده‌اند، مانند بلو. ی) زازایی را گویشی گورانی به حساب آورده‌اند، مانند اوشیا. گروه «الف، ب، د» اولاً،

---

[1] K. Hadank
[2] V. Minorsky
[3] E. Celebi
[4] M. Leezenberg
[۵] گونهٔ زبانی هورام‌ها، هورامی نام دارد که به باور مکنزی (۱۴۰۰: ۲۸، ۲۹) احتمالاً کهن‌ترین و دست‌نخورده‌ترین گویش گروه گورانی باشد که در واقع، از بسیاری جهات دارای رفتار یک گویش ایرانیِ میانهٔ نسبتاً کهن است.
[6] L. Paul
[7] M. T. O'Shea
[8] M. M. Gunter
[9] J. Blau
[10] I. M. Oranskij
[11] E. Werner

مشخص نکرده‌اند منظور از «کردی» و «گویش‌های مرکزی ایران» دقیقاً چیست. به بیانی دیگر، یک تعریف زبان‌شناختی دقیق از این دو اصطلاح همراه با مصداق ارائه ننموده‌اند تا بتوان بر اساس آن نشان داد آیا گونه‌ای زبانی (در اینجا، زازایی و/ یا گورانی) می‌تواند به آن‌ها تعلق داشته باشد یا خیر. ثانیاً، بدون ارائهٔ شواهد زبان‌شناختی یا شواهد زبان‌شناختی لازم و کافی ادعاهای خود را مطرح کرده‌اند. ثالثاً، زازایی و/ یا گورانی چگونه می‌تواند گویشی کردی باشد، اما فهم آن برای گویشوران دیگر گویش‌ها مشکل باشد؟ گروه «ج، ه، ز، ح» که عموماً از اصطلاح «گویش» در رابطه با زازایی و گورانی استفاده نموده‌اند، مشکل دوم گروه «الف، ب، د» را دارند. افزون‌براین، تکلیف این دو گونهٔ زبانی را مشخص نکرده‌اند؛ به این معنا که اگر گویش هستند، گویش کدام زبان یا زبان‌ها هستند و بر چه اساسی گویش آن زبان یا زبان‌ها هستند. گروه «ط،ی» هم برای ادعاهای خود یا هیچ شواهد زبان‌شناختی ارائه نکرده‌اند، مانند گروه «ی» یا شواهد ارائه‌شدهٔ آن‌ها (هرچند محدود) با ادعایشان در تضاد است، مانند گروه «ط» چرا که بر اساس شواهد زبان‌شناختی محدود ارائه‌شده از گورانی و زازایی و هم‌پوشانی قابل توجه میان آن‌ها، نمی‌توان از زازایی و گورانی به‌عنوان دو زبان نام برد.

در واقع، باید گفت برای این‌که تصویر درستی از جایگاه یک گونهٔ زبانی (در این‌جا، زازایی) به‌دست داده شود، لازم است با دیگر گونه‌های زبانی مرتبط و نزدیک به آن (در این‌جا، گورانی و کردی) به روش تحلیل مقابله‌ای بررسی و مقابله شود نه این‌که به‌تنهایی یا با یک گونهٔ زبانی مرتبط با آن، آن هم با استفاده از شواهد محدود بررسی گردد و بر این اساس، دربارهٔ جایگاه آن قضاوت شود. به‌علاوه، اگر پژوهشگر دارای تخصص لازم و مرتبط (در این‌جا، زبان‌شناسی) و زبانور بومی آن گونهٔ زبانی و مسلط بر دیگر گونه‌های زبانی مرتبط با آن باشد، طبیعتاً اعتبار نتیجهٔ پژوهش بالا است؛ شرایطی که هیچ کدام از پژوهش‌های یادشده در مورد زازایی آن‌ها را با هم ندارند.

در پژوهش حاضر تلاش می‌شود با ارائه و تحلیل شواهد زبان‌شناختی و ادبی به روش تحلیل مقابله‌ای، جایگاه زازایی در میان زبان‌های ایرانی و مشخصاً رابطه‌اش با گورانی و کردی به منظور پایان دادن به اختلاف نظرها و تشتت آرا در این زمینه بررسی و مشخص گردد.

۳. روش انجام پژوهش

داده‌های این پژوهش عمدتاً از منابع مکتوب و در صورت لزوم، با استفاده از شم و دانش زبانی نگارنده به‌عنوان زبانور بومی گورانی و مسلط بر کردی و فارسی گردآوری و با الفبای آوانگاری آمریکایی به‌گونه‌ای که در پانوشت آمده است، آوانویسی شده‌اند.[۱] داده‌های مربوط به زازایی همه از منابع مکتوب گردآوری شده‌اند. سپس، به روش تحلیل مقابله‌ای در دو زیربخشِ الف) ویژگی‌های زبان‌شناختی که خود مشتمل بر چهار زیربخش دیگر یعنی ویژگی‌های واجی، ساختواژی، نحوی و واژگانی است و ب) ویژگی‌های ادبی بررسی، مقابله و تحلیل شده‌اند به این صورت که نخست یک ویژگی زبان‌شناختی یا ادبی زازایی ذکر شده است و به دنبال آن، وجود آن ویژگی در گورانی، کردی و فارسی مورد بررسی و مقابله قرار گرفته است که آیا در گورانی، کردی و فارسی وجود دارد یا خیر و اگر وجود دارد، به چه صورتی موجود است. هدف از بررسی و مقابلهٔ ویژگی‌های زبان‌شناختی و ادبی زازایی با گورانی، کردی و فارسی این است که الف) همان‌گونه

---

[۱] نمادهای آوایی به کار رفته در این مقاله به شرح زیرند: ۳۱ همخوان: همزه= ʔ، ب= b، پ= p، ت= t، ج= ǰ، چ= č، ح= ḥ، خ= x، د= d، ذ= đ (همخوانی ناسوده، دندانی و واکدار است. برای تولید آن نوک زبان به دندان‌های بالا نزدیک می‌شود بدون آنکه با آنها تماس پیدا کند. محل وقوع آن محیط بین دو واکه، پایان واژه پس از واکه و در خوشهٔ آغازی به‌عنوان عضو دوم خوشه است تا اصل سلسله‌مراتب رسایی رعایت شود.)، ر(زنشی/ تک‌ضربیِ لثوی)= r، ر(تکریری/ چندضربی لثوی)= ř، ز= z، ژ= ž، س= s، ش= š، ع= ʕ، غ= ǧ، ف= f، ق= q، ک= k، گ= g، ل (کناریِ لثویِ پیشین)= l، ل (کناریِ نرمکامی‌شدهٔ لثویِ پسین)= ɫ، م= m، ن= n، نّ= ň (خیشومیِ لثوی‌کامی)، و (دولبیِ غنچه‌ای)= w، و (لب و دندانی)= v، ه= h، ی= y. ۸ واکهٔ ساده: ـَ/ اَ= a، آ= ā، ـِ/اِ= e، ای= i، ـِ/اِ خیلی کوتاه/ شوا= ə، او= u، ـُ/اُ= o، ـُ/اُ خیلی کوتاه= o.

که در بخش پیشنهٔ پژوهش ملاحظه شد، بیشتر مطالعات در زمینهٔ زازایی، این گونهٔ زبانی را یا گورانی دانسته‌اند یا کردی که در این پژوهش تلاش می‌شود از طریق مقابله و تحلیل، جایگاه و تعلق آن به گورانی یا کردی مشخص شود و ب) دیدگاه سجادی (۲۰۲۳) مبنی بر این‌که «گورانی زبانی متمایز و مستقل نه گونه‌ای از به‌اصطلاح کردی و کردی نه زبانی متمایز و مستقل، بلکه نوعی گونهٔ زبانی آمیختهٔ مادری‌شده و در واقع، گونه‌ای فارسی است» به‌عنوان هدف فرعی پژوهش بررسی و آزموده شود. از شم و دانش زبانی نگارنده زمانی استفاده شده است که یک ویژگی در منابع مکتوبِ مربوط به زازایی، ایرانی باستان، گورانی، کردی و فارسی الف) یافت نشده، اما وجود داشته است، ب) یافت شده، اما در واقع، وجود نداشته است، ج) به هر دلیلی اشتباه آمده و نگارنده آن را تصحیح کرده است. تا جایی که منابع در دسترس نگارنده اجازه داده باشند، در راستای اهداف پژوهش به وجود ویژگی‌ها در ایرانی باستان هم اشاره شده که برای گردآوری آن‌ها از منابع مکتوب استفاده شده است.

۴. ملاحظات نظری

در این بخش به پاره‌ای از ملاحظات نظری لازم در باب زازایی، گورانی و کردی، مفاهیمِ زبان[۱]، گویش[۲]، لهجه[۳] و گونه[۴] و نیز روش انجام پژوهش و به‌ویژه روش تحلیل مقابله‌ای اشاره می‌شود.

گورانی که در میان توده و عوام با نام‌های مختلفی، در واقع نام گویش‌هایش و عمدتاً هورامی، شناخته و به‌اشتباه گونه‌ای کردی پنداشته می‌شود، یکی از زبان‌های متمایز و مستقل ایرانیِ شاخهٔ غربی‌شمالی با گویش‌ها (از جمله هورامی، (گورانیِ) ادبی، زازایی، باجَلانی، شَبَکی، کندوله‌ای، عبدالملکی، زَنگَنَه‌ای، زَردَه‌ای، گَوراجویی، جُمور، ماچو) و پیشینهٔ ادبی کهن و غنی، هم مذهبی و هم غیرمذهبی، هم منظوم و هم منثور، دست‌کم ۱۴۰۰سالهٔ خاص خود است که امروز در بخش‌هایی از سه کشور ایران، عراق و ترکیه به آن تکلم می‌شود. گورانی، همچنین، زبان متون مقدس اهل حق (یارسان) است. کهن‌ترین متن و اثر ادبی به گورانی، شعر هورمزگان، به نخستین سدهٔ هجری بر می‌گردد که روایت چگونگی آمدن اسلام به ایران است. این زبان در گذشته گسترهٔ جغرافیایی و فرهنگی به‌مراتب گسترده‌تر و غنی‌تری نسبت به امروز داشته است به‌گونه‌ای که دست‌کم از هنگام آمدن اسلام به ایران تا اوایل قرن بیستم میلادی و به طور مشخص تا سال ۱۹۱۹ میلادی زبان ادبی، درباری، مشترک و رسمی غرب فلات ایران و مشخصاً آن جایی بوده است که اکنون به آن کردستان گفته می‌شود. بااین‌حال، امروز به چند جزیرهٔ زبانی محدود گشته است و به لحاظ توجه، مطالعات و بررسی‌های علمی لازم و کافی مورد غفلت واقع‌شده‌ترین زبان‌های ایرانی است به‌گونه‌ای که این از یک سو به ناشناخته ماندن آن و از سویی دیگر به معرفی آن به‌عنوان یکی از زبان‌های ایرانی در معرض خطر فراموشی از سوی یونسکو[۵] منجر شده است (سجادی، ۲۰۲۳؛ ۱۴۰۱: ۴۱۰ و ۱۴۰۴: ۲۵۰).

زازایی که زازاکی و دیمیلی یا دیملی نیز خوانده می‌شود یکی از گونه‌های زبانی ایرانی است که در شرق ترکیه در مرزهای شمال غربی مناطق کردنشین و در بخش‌هایی از مناطق چرمیک[۶]، بینگول[۷]، درسیم[۸] (تونجلی[۹])، خارپوت، معدن، ارزنجان[۱۰] (۵۰ درصد ترک و ۵۰ درصد زازا)، دیاربکر، اورفا، بتلیس[۱۱]، سیورک[۱۲] (۵۰ درصد کرد و ۵۰ درصد زازا)،

[1] language
[2] dialect
[3] accent
[4] variety
[5] https://www.unesco.org/languages-atlas/
[6] Çermik
[7] Bingōl
[8] Dersim
[9] Tunceli
[10] Erzincan
[11] Bitlis
[12] Siverek

آدیامان، وارتو[1] (۵۰ درصد کرد و ۵۰ درصد زازا) و موش[2] به آن گفت‌وگو می‌شود. مهم‌ترین شهرهایی که جمعیت غالب آن‌ها زازا[3] است، چرمیک، تونجلی و بینگول هستند (پاول، ۲۰۰۹: ۵۴۵). هر چند دربارهٔ شمار گویشوران زازا آمار دقیق و قابل اعتمادی در دسترس نیست، اما جمعیّت آنان حدود ۳ تا ۴ میلیون نفر برآورد شده است (همان؛ گونتر، ۲۰۰۴: ۴۴).

زازایی که گروه‌های کمابیش همگونی به آن تکلم می‌کنند (بلو، ۱۳۸۳: ۵۵۸)، دارای سه شاخهٔ اصلی است: شمالی، جنوب غربی و جنوب شرقی. در طول تاریخ زبان‌های زیادی با زازایی در تماس بوده‌اند و بر آن تأثیر گذاشته‌اند، از جمله کردی کرمانجی (مهم‌ترین زبان تأثیرگذار)، عربی، فارسی، ارمنی (به‌ویژه برای شاخه‌های شمالی) و ترکی که تأثیر آن به‌تازگی شتاب گرفته است. بسیاری از زازها متحمل همگونی زبانی با ترکی و کردی شده‌اند (پاول، ۲۰۰۹: ۵۴۵). نظر به اختلاط زازاها با کردهای کرمانج، زازاها کرمانجی بلدند (لیزنبرگ، ۱۹۹۳: ۸)، اما کرمانج‌ها زازایی بلد نیستند درست همان‌گونه که با توجه به اختلاط گوران‌ها با کردهای سوران، گوران‌ها کردی سورانی بلدند، اما کردهای سورانی گورانی بلد نیستند. نظام نوشتاری زازایی مبتنی بر الفبای لاتین و خیلی شبیه الفبایی است که زبان ترکی در ترکیه به آن نوشته می‌شود (تاد، ۲۰۰۸: ۱۲۵؛ مرشدی، ۱۳۹۳: ۱۳).

کردی تداوم فارسی میانه است، حال آن‌که زازایی و گورانی/ هورامی تداوم پارتی و دیگر زبان‌های غربی‌شمالی ایران (اوستایی، مادی و غیره) هستند (ورنر، ۲۰۱۲: ۸). زازاها در مقایسه با کرمانج‌ها دارای سابقهٔ چادرنشینی نیستند. تمامی سنت‌ها و رفتارشان مبتنی بر کشاورزی و دهقانی است. ازاین‌رو، بر این اساس دارای تاریخ طولانی سکونت در زادگاه کنونی‌شان هستند (همان: ۳). درست همچون گوران‌ها و سوران‌ها، همان‌گونه که اوشیا (۲۰۰۴: ۳۲) هم بیان می‌دارد.

زازاها از نظر مذهبی به دو دستهٔ شمالی و جنوبی تقسیم می‌شوند. زازاهای شمالی شیعهٔ علوی و زازاهای جنوبی سنی شافعی هستند (پاول، ۲۰۰۹: ۵۴۶؛ آساطوریان، ۱۳۷۲: ۲). پیوند مهمی بین زازاها و اسلام همچون گوران‌ها وجود دارد: تعداد قابل توجهی از زازاها به‌ویژه در منطقهٔ تونجلی علوی شیعه و در مناطق دیگر، از جمله سیورک، دیاربکر و بینگول، سنی هستند. اهل حق (یارسان) که آیین بسیاری از گوران‌هاست، ویژگی‌های مشترکی با علوی در میان زازاها دارد [همچون زازاها، آیین بخشی از گوران‌ها هم اسلام (هم سنی و هم شیعه) است]. گوران‌ها دارای زبان متمایز، فرهنگ مادی و ادبی، سنت سیاسی و تاریخی و ویژگی‌های منحصر به فرد دینی هستند (لیزنبرگ، ۱۹۹۳: ۹، ۱۷؛ اوشیا، ۲۰۰۴: ۳۹).

همان‌گونه که در ابتدای این بخش اشاره شد، نظر به این‌که مفاهیم زبان، گویش، لهجه و گونه از مفاهیم مورد استفاده در این پژوهش هستند، لازم است به تعاریف معیار و مورد اجماع جامعهٔ زبان‌شناسی این مفاهیم اشاره شود. زبان: دو گونهٔ زبانی که سخنگویان آن‌ها فهم متقابل ندارند. گویش: دو گونهٔ زبانی که سخنگویان آن‌ها فهم متقابل دارند، اما در عین حال، بین آن‌ها تفاوت‌های آوایی و واجی و واژگانی و/ یا دستوری وجود دارد. لهجه: دو گونهٔ زبانی که سخنگویان آن‌ها فهم متقابل دارند، ولی بین آن‌ها تنها تفاوت‌های آوایی (و واجی) دیده می‌شود. گونه: اصطلاحی است خنثی که می‌توان آن را به‌عنوان اطلاقی کلی بر زبان، گویش و لهجه به‌کار برد (دبیرمقدم، ۱۳۸۷: ۱۲۰).

همچنین، از آن جایی که روش مورد استفاده در پژوهش حاضر، تحلیل مقابله‌ای است، ضروری است در اینجا تعریف شود. تحلیل مقابله‌ای یا زبان‌شناسی مقابله‌ای[4] شاخه‌ای از زبان‌شناسی است که به مقایسهٔ دو یا بیشتر از دو زبان به

[1] Varto
[2] Mush
[3] Zaza
[4] contrastive linguistics

منظور تعیین تفاوت‌ها و شباهت‌های بین آن‌ها می‌پردازد (فیسیاک[1]، ۱۹۸۱: ۱). اگرچه این حوزه در پی صورت‌بندی شباهت‌ها و تفاوت‌ها در ساختار زبان‌هاست، اما بیشتر بر تفاوت‌ها متمرکز است تا شباهت‌ها (جیمز[2]، ۱۹۸۰: ۲).

۵. ارائه و تحلیل داده‌ها

در این بخش ویژگی‌های زبان‌شناختی و ادبی زازایی ارائه می‌شوند و با ایرانی باستان، گورانی، کردی و فارسی مورد بررسی، مقابله و تحلیل قرار می‌گیرند.

۵-۱. ویژگی‌های زبان‌شناختی

ویژگی‌های واجی، ساختواژی، نحوی و واژگانی ویژگی‌هایی زبان‌شناختی هستند که در این زیربخش آورده می‌شوند.

۵-۱-۱. ویژگی‌های واجی

الف) نظام واجی زازایی متشکل از ۳۸ واج (۳۰ همخوان و ۸ واکه) به شرح زیر است:

همخوان‌ها: /b, p, d, f, v, m, n, t, ṭ, s, z, ṣ, l, ł, r, ř, č, ǰ, š, ž, k, g, x, q̌, q, h, ḥ, ʕ, w, y /

واکه‌ها: /a, ā, i, e, ə, u, ō, o/ (پاول، ۲۰۰۹: ۵۴۷؛ تاد، ۲۰۰۸: ۲، ۱۳).

نظام واجی گورانی دارای همان همخوان‌ها و واکه‌های زازایی است با این تفاوت که دو همخوانِ /ṣ/ (سایشی کامی بی‌واک حلقی‌شده) و /ṭ/ (انسدادی دندانی بی‌واک حلقی‌شده) (همان: ۴، ۷) در گورانی وجود ندارند. این دو واج را هدنک (۱۹۳۲: ۴۷) جزو واج‌های زازایی به حساب نیاورده و تاد[3] (۲۰۰۸: ۱) آن‌ها را ناشی از تأثیر عربی دانسته و افزوده است که از بسامد چندانی برخوردار نیستند. همخوانِ /ʔ/ (انسدادی چاکنایی واکدار) گورانی (سجادی، ۲۰۲۳: ۳) در فهرست واج‌های زازایی پاول و تاد دیده نمی‌شود. به باور تاد (همان: ۳) انسدادی چاکناییِ /ʔ/ در زازایی تمایزدهنده نیست. در مورد این واج باید گفت که از طریق واژگان قرضی از عربی وارد گونه‌های زبانی ایرانی شده است و تنها در جایگاه آغازین وجود دارد. به بیانی دیگر، در زیرساخت وجود ندارد، اما در روساخت درج می‌شود (کامبوزیا و سجادی، ۱۳۹۲: ۷۱). اگر استدلال پاول و تاد در مورد این واج در زازایی این بوده باشد که آن را جزو واج‌های این گونهٔ زبانی نیاورده‌اند، آنگاه این استدلال در مورد گورانی یا هر گونهٔ زبانی ایرانی دیگر نیز صادق است. همچنین، دو همخوانِ /đ/ (ناسودهٔ دندانی واکدار) و /ň/ (خیشومی لثوی کامی واکدار) در گورانی وجود دارند (سجادی، ۲۰۲۳: ۳) که در فهرست واج‌های زازاییِ تاد و پاول به چشم نمی‌خورند. عدم وجود واج /đ/ در زازایی با توجه به تأثیرپذیری شدید از کردی کرمانجی، ترکی، عربی، فارسی و ارمنی (پاول، ۲۰۰۹: ۵۴۵) قابل توجیه است چرا که در میان نسل نوجوان و جوان گونه‌هایی از گورانی که در معرض برخورد و تماس زبانی با کردی سورانی، فارسی، عربی و غیره قرار دارند، در حال از بین رفتن و جایگزین شدن است و به‌عنوان نمونه، واژه‌ای مانند /ʔa**đ**ā/ = مادر/ را به صورت‌های مختلفی همچون /ʔa**d**ā/، /ʔa**y**ā/ و /ʔa**w**ā/ تلفظ می‌کنند و تنها در میان نسل میان‌سال و کهنسال این گونه‌ها وجود دارد. افزون‌براین، هدنک (۱۹۳۲: ۴۷) /ň/ را یکی از واج های زازایی به شمار آورده است. در ایرانی باستان (اوستایی) واج /δ/ وجود دارد، مانند /-xaoδa=/ خود/ (ارانسکی، ۱۳۸۶: ۵۴؛ ابوالقاسمی، ۱۳۸۸: ۲۱ و ۱۳۸۹: ۶، ۱۴) که در کردی مانند فارسی یافت نمی‌شود، اما در گورانی وجود دارد و در الفبای بین‌المللی آوانگاری به شکل /đ/ بازنمایی می‌شود، مانند /ʔa**đ**ā/= مادر/. با این توصیف، نظام واجی زازایی هیچ تفاوتی با نظام واجی گورانی ندارد.

---

[1] J. Fisiak
[2] C. James
[3] T. L. Todd

نظام واجی کردی از یک گونه به گونهٔ دیگری تغییر چندانی نمی‌کند (بلو، ۱۳۸۳: ۵۴۴). نظام پایهٔ همخوان‌ها و واکه‌ها شامل ۳۰ همخوان و ۸ واکه است (مک‌کاروس[1]، ۲۰۰۹: ۵۹۱، ۵۹۲؛ رخزادی، ۱۳۹۰: ۷۲، ۷۸؛ مکنزی[2]، ۱۹۶۱). دو همخوانِ /đ/ و /ň/ زازایی و گورانی در هیچ کدام از گونه‌های کردی همچون فارسی وجود ندارند. هم زازایی و هم گورانی دو واجِ /v/ و /w/ را با هم دارند، حال آن‌که کردی سورانی تنها /w/ را دارد و تلفظ /v/ کرمانجی با /v/ زازایی و گورانی متفاوت است؛ به این معنا که نسبت به /v/ زازایی و گورانی با فشار بیشتری تلفظ می‌شود. از سوی دیگر، دو واجِ /l/ و /ł/ با هم، هم در زازایی و هم گورانی وجود دارند، اما کردی کرمانجی همچون فارسی فاقد واج /ł/ است و کردی سورانی مانند گورانی دارای این واج است. در اغلب گونه‌های شمالی کردی (متعلق به اتحاد جماهیر شوروی [سابق]، شمال غربی عراق، و غیره) تعدادی همخوان انسدادی دمیده[3] یعنی /p^h/، /t^h/ و /k^h/ (دخیل از ارمنی؟) وجود دارند (بلو، ۱۳۸۳: ۵۴۵) که هیچ کدام از آن‌ها در زازایی و گورانی وجود ندارند. همخوانِ /q̌/ در کرمانجی وجود ندارد. برخلاف زازایی و گورانی، همخوان‌هایِ /p/، /t/، /č/ و /k/ در کرمانجی در جایگاه پایانی نادمیده[4] هستند. تلفظ واکهٔ /a/ زازایی و گورانی با تلفظ این واکه در کرمانجی متفاوت است. تلفظ آن در کرمانجی مانند فارسی است (سجادی، ۲۰۲۳: ۴). این عدم یکدستی و رفتارهای دو گانهٔ کردی که در مواردی شبیه یک گونهٔ زبانی (در این‌جا، فارسی) و در مواردی دیگر شبیه یک گونهٔ زبانی دیگر (در این‌جا، زازای و/ یا گورانی) است، می‌تواند تأییدی بر دیدگاه سجادی (۲۰۲۳) باشد که در بخش مقدمه آمده است.

ب) برخلاف کردی همچون فارسی، اکثر واژه‌های زازایی مانند گورانی به واکه ختم می‌شوند (سجادی، ۲۰۲۳: ۴) که نشانه‌ای از باستانی بودن این زبان است (ابوالقاسمی، ۱۳۸۸: ۳۰ و ۱۳۸۹: ۷)، همان‌گونه که مکنزی (۱۴۰۰: ۲۸، ۲۹) نیز می‌گوید.

جدول ۱: واژه‌های زازایی، گورانی، کردی و فارسی

واژه	فارسی	کردی	گورانی	زازایی
گوسفند	/ɟusfan**d**/	/pa**z**, ma**ř**/	/may **(a)**[5]/	/m**i**/
کوه	/ku**h**/	/ke**w**, ke**f**/	/k**ō**/	/k**ō**/
دل، قلب	/de**l**, ɢal**b**/	/də**l**/	/zeł**i**, zāł**a**/	/zař**i**/
خون	/xu**n**/	/xəwe**n**/	/wən**i**/	/gun**i**/
سگ	/sa**ɟ**/	/sa**g**/	/səp**a**, tut**a**/	/asp**a**/
آرد	/ʔār**d**/	/ʔār**d**/	/ʔ/[6]hārđ**i**/	/ārd**i**/
کارد	/kār**d**/	/kār**d**/	/kārđ**i**/	/kārd**i**/

ج) /-hw/ ایرانی باستان در زازایی همچون گورانی به /-w/ اما در کردی مانند فارسی به /-xō, -xw/ تبدیل شده است (لیزنبرگ، ۱۹۹۳: ۱۰؛ پاول، ۱۹۹۸: ۱۶۸). زازایی: /-**w**ard= خورد-/، گورانی /-**w**ārđ, -**w**arđ= خورد-/، کردی: /-**xw**ārd= خورد-/، فارسی /-**xō**rd= خورد-/.

[1] E. N. McCarus
[2] D. N. Mackenzie
[3] aspirated
[4] unaspirated

۳ آنچه در درون «()» آمده است، به این معناست که می‌تواند هم بیاید و هم نیاید.

۴ «/» نشان‌دهندهٔ آن است که یا آنچه پیش از آن آمده است (در اینجا، /-ʔ/) می‌آید یا آنچه پس از آن آمده است (در اینجا، /-h/) و هر دو با هم نمی‌آیند.

د) /m/ پس‌واکه‌ای ایرانی باستان در زازایی مانند گورانی باقی مانده است، حال آن‌که در کردی کرمانجی به /v/w/ و کردی سورانی به /w/ تبدیل شده است (لیزنبرگ، ۱۹۹۳: ۱۰). زازایی: /nā**m**a= نام/، گورانی: /nā**me**= نام/، کردی کرمانجی: /nā**v**= نام/، کردی سورانی: /nā**w**= نام/.

ه) /v/w/ ایرانی باستان (ابوالقاسمی، ۱۳۸۸: ۵۹ و ۱۳۸۹: ۱۳، ۱۵، ۸۰، ۴۶۷، ۴۶۸) در زازایی همانند گورانی باقی مانده، اما در کردی مثل فارسی، به /b/ تبدیل شده است.

جدول ۲: /v/w/ در ایرانی باستان، زازایی، گورانی، کردی و فارسی

واژه	فارسی	کردی	گورانی	زازایی	ایرانی باستان
برف	/**b**arf/	/**b**afər/	/**v/w**afər, **v**arva, **w**arv/wa, **w**arba/	/**v**awr/	/**v**afra-/
بیست (عدد)	/**b**ist/	/**b**is(t)/	/**v/w**is/	/**v**ist/	/**v**isa-/
ستاک حال فعل «دیدن»	/**b**in-/	/**b**in-/	/**v/w**in-/	/**v**inen-/	/**w**aina-/

و) گروهِ /rz/ ایرانی باستان (پاول، ۱۹۹۸: ۱۶۹) در زازایی مانند گورانی باقی مانده، اما در کردی همچون فارسی به کناری لثوی واکدار و به‌ترتیب به /ɬ/ و /l/ تبدیل شده است. تنها تفاوت آن‌ها در این است که در کردی از صورت نرمکامی‌شدهٔ آن استفاده می‌شود، مانند: زازایی: /ba**rz**= بلند/، گورانی: /ba**rz**= بلند/، کردی: /bə**ɬ**ənd= بلند/، فارسی: /bō**l**and= بلند/.

ز) /v/w/ ایرانی باستان در زازایی همانند گورانی باقی مانده، اما در کردی مثل فارسی به‌ترتیب به /g/ و /ɟ/ تبدیل شده است. تفاوت این همخوان در کردی و فارسی این است که در کردی مانند زازایی و گورانی از صورت نرمکامی آن، اما در فارسی از صورت کامی آن استفاده می‌شود (کامبوزیا و سجادی، ۱۳۹۲: ۷۶، ۷۷). این وضعیت می‌تواند تأیید دیگری بر دیدگاه سجادی (۲۰۲۳) باشد که در بخش مقدمه آمده است. ایرانی باستان: /-**w**arda= گُل/ (مکنزی،۱۴۰۱: ۱۹۸)، زازایی: /**v**əl= گُل/ (بلو، ۱۳۸۳: ۵۶۰)، گورانی: /**v/w**əli/= گُل/، کردی: /**g**oɬ= گُل/، فارسی: /**ɟ**ōl= گُل/.

ح) /sp/ ایرانی باستان در زازایی مانند گورانی باقی مانده، اما در کردی مثل فارسی به /s/ کاهش یافته است (پاول، ۱۹۹۸: ۱۶۶). زازایی: /a**sp**a= سگ/، گورانی: /**sə**pa= سگ/، کردی: /**s**ag= سگ/، فارسی: /**s**aɟ= سگ/.

ط) /-dv/ ایرانی باستان در زازایی همچون گورانی به /b/ اما در کردی مانند فارسی به /d/ تبدیل شده است (همان). زازایی: /**b**ar= در (خانه، ...)/، گورانی: /**b**ara= در (خانه، ...)/، کردی: /**d**ar, **d**ərgā= در (خانه، ...)/، فارسی: /**d**ar= در (خانه، ...)/.

ی) تکیه در ایرانی باستان جای مشخصی نداشته است (ابوالقاسمی، ۱۳۸۸: ۲۳). در زازایی (پاول، ۲۰۰۹: ۵۴۷؛ تاد، ۲۰۰۸: ۲۵) همچون گورانی (سجادی، ۱۳۹۵: ۱۷۴، ۱۷۵ و ۲۰۲۳: ۶) هم معمولاً جای مشخصی ندارد یعنی متغیر، واجی، غیر قابل پیش‌بینی و لذا تقابل‌دهنده است. ازاین‌رو، زازایی و گورانی مانند ایرانی باستان جزو گونه‌های زبانی تکیه‌ای هستند، مانند: زازایی: /ˈninā/= او (مؤنث) نمی‌آید./ و /niˈnā/= از این‌ها/، گورانی: /ˈhita/= شخم/ و /hiˈta/= جفت (کفش، جوراب، .../. تکیه در زازایی مانند گورانی تمایزدهنده و دارای سه نقش و کارکرد است: الف) تنها باعث تغییر معنی واژه می‌شود، مانند /ˈhita/= شخم/ و /hiˈta/= جفت (کفش، جوراب، ../ که هر دو اسم هستند. ب) موجب تغییر معنی و مقولهٔ واژگانی واژه می‌گردد، مانند: /ˈbara/= ببر (فعل امر)/ و /baˈra/= در (خانه، ...) (اسم)/. ج) عامل تشخیص جنس دستوری اسم‌ها و صفت‌های دارای نشانگرهای صوری جنس دستوری یکسان است. جنس دستوری اسم‌های مختوم به واکه‌های /-a/ و /-i/ و صفت‌های مختوم به واکهٔ /-a/ از روی جایگاه تکیه مشخص می‌شود. برای

نمونه، اسم‌ها و صفت‌های مختوم به واکه‌های تکیه‌دارِ /-ˈa/ و /-ˈi/، مذکر و بدون تکیه، مؤنث هستند، مانند /=tāˈt**a**/ پدر/، /=məzˈg**i**/ مسجد/، /=poxˈt**a**/ تمیز/، /=ˈbarz**a**/ بلند/، (سجادی، ۱۳۹۵: ۱۷۴، ۱۷۵ و ۲۰۲۳: ۶). در این رابطه، در مورد زازایی تاد (۲۰۰۸: ۳۳–۳۵) را ببینید. این در حالی است که اولاً، تکیه در کردی مثل فارسی تقریباً جای مشخصی دارد و ثانیاً، تنها دارای دو نقش و کارکرد نخست، آن هم به صورت ناچیز است (مدرسی‌قوامی، ۱۳۹۰: ۱۱۵، ۱۱۶؛ بی‌جن‌خان، ۱۳۹۲: ۵۴، ۵۵؛ رخزادی، ۱۳۹۰: ۹۰). در نتیجه، برخلاف فارسی و کردی، زازایی و گورانی در این ویژگی مانند ایرانی باستان عمل می‌کنند به‌ویژه آن‌که همچون ایرانی باستان دارای جنس دستوری‌اند که در بخش بعدی به آن پرداخته می‌شود.

ک) ساخت هجا در زازایی (تاد، ۲۰۰۸: ۲۵) همچون گورانی (کامبوزیا و سجادی، ۱۳۹۲: ۷۴)، «(C)(C)V(C)(C)» است، حال آن‌که در کردی (محمدی و بی‌جن‌خان، ۱۳۹۹) مانند فارسی (حق‌شناس، ۱۳۸۶: ۱۳۹)، «(C)V(C)(C)» است. تفاوت زازایی و گورانی با کردی و فارسی در این است که خوشهٔ دوهمخوانی در جایگاه آغازی می‌تواند در زازایی و گورانی وجود داشته باشد، اما در کردی و فارسی در جایگاه آغازی تنها یک همخوان می‌تواند بیاید.

۲.۱.۵. ویژگی‌های ساختواژی

الف) در ایرانی باستان سه جنس دستوری مذکر، مؤنث و خنثی وجود دارند که با نشانه‌های مختلفی که به پایان اسم می‌پیوندند، مشخص می‌شوند، مانند /=aspa/ اسب (مذکر)/، /=daenā/ دین (مؤنث)/، /=vanta/ زن (مذکر)/ (ابوالقاسمی، ۱۳۸۹: ۲۸، ۲۹؛ ارانسکی، ۱۳۸۶: ۵۶). در زازایی مانند گورانی هم دو جنس دستوری مذکر و مؤنث وجود دارند. همهٔ اسم‌های مفرد یا مذکرند یا مؤنث. جنس دستوری اسم از راه آوای پایانی و جایگاه تکیهٔ آن مشخص می‌شود، مانند: زازایی: /=marˈd**a**/ شوهر (مذکر)/، /=mānˈg**ā**/ گاو (مؤنث)/، /=zaˈraž/ کبک (مذکر)/، /=ǰaˈn**i**/ زن (مؤنث)/، /=baˈrā**n**/ قوچ (مذکر)/. گورانی: /=řōǰyā**r**/ خورشید (مذکر)/، /=heˈł**a**/ تخم مرغ (مذکر)/، /=žaˈž**u**/ جوجه‌تیغی (مذکر)/، /=čā**y**/ چای (مذکر)/، /=ˈmāng**a**/ ماه (مؤنث)/، /=řōˈč**e**/ روزه (مؤنث)/، /=daˈg**ā**/ روستا (مؤنث)/، /=nəwa**y**/ نخود (مؤنث)/ (سجادی، ۲۰۱۹ و ۲۰۲۳: ۷؛ تاد ۲۰۰۸: ۳۳، ۳۴؛ پاول، ۲۰۰۹: ۵۴۸). نشانگر جنس دستوری در ایرانی باستان (ابوالقاسمی، ۱۳۸۹: ۵۴، ۵۵) تقریباً همچون زازایی و گورانی، آوای پایانی و معمولاً واکه است. در کردی سورانی مانند فارسی جنس دستوری وجود ندارد، اما در کردی کرمانجی همچون گورانی تمایز دو جنس دستوری مذکر و مؤنث موجود است، ولی حوزهٔ عملکرد آن مثل گورانی نیست؛ به این معنا که به اندازهٔ گورانی یک‌دست، فراگیر و گسترده نیست و، همان‌گونه که بلو (۱۳۸۳: ۵۴۶) می‌گوید، با گذر مرز همگویی از مسیر شمال به شمال شرقی عراق این تمایز به‌تدریج از بین می‌رود. این وضعیت نیز تأیید دیگری بر دیدگاه سجادی (۲۰۲۳) است که در بخش مقدمه آمده است. جدول زیر نشانگرهای صوری جنس دستوری را نشان می‌دهد (سجادی، ۲۰۲۳: ۷).

جدول ۳: نشانگرهای صوری جنس دستوری در گورانی

اسم‌های مذکر	اسم‌های مؤنث
۱. مختوم به همخوان	۱. مختوم به واکه‌های بدون تکیهٔ /-a, -i/
۲. مختوم به واکه‌های تکیه‌دارِ /-ˈa, -ˈā, -ˈu, -ˈō,-ˈi/	۲. مختوم به واکه‌های تکیه‌دارِ /-ˈā, -ˈe/
۳. مختوم به همخوانِ /y/	۳. مختوم به همخوانِ /y/

ب) ضمایر شخصی در ایرانی باستان جنس ندارند (ابوالقاسمی، ۱۳۸۹: ۹۳). در زازایی (پاول، ۲۰۰۹: ۵۵۱؛ تاد، ۲۰۰۸: ۴۵) همچون گورانی (سجادی، ۲۰۲۳: ۷) تمایز جنس دستوری در ضمیر منفصل سوم شخص مفرد وجود دارد. در جدول

زیر، ضمایر منفصل سوم شخص مفرد زازایی (تاد، ۲۰۰۸: ۴۵) و در جدول بعد از آن، ضمایر منفصل سوم شخص مفرد گورانی (سجادی، ۲۰۲۳: ۷) آمده‌اند. در کردی مانند فارسی چنین تمایزی وجود ندارد.

جدول ۴: ضمایر منفصل سوم شخص مفرد زازایی

	فاعلی	غیرفاعلی
مذکر نزدیک[1]	/nō/	/ney/
مذکر دور	/ō/	/ey/
مؤنث نزدیک	/nā/	/nāy/
مؤنث دور	/ā/	/āy/

جدول ۵: ضمایر منفصل سوم شخص مفرد گورانی

	فاعلی	غیرفاعلی
مذکر نزدیک	/ʔeđ/	/ʔeđi/
مذکر دور	/ʔāđ/	/ʔāđi/
مؤنث نزدیک	/ʔeđa/	/ʔeđe/
مؤنث دور	/ʔāđa/	/ʔāđe/

ج) در ایرانی باستان هشت حالت وجود دارند که با نشانه‌های مختلفی که به پایان اسم می‌پیوندند، مشخص می‌شوند (ابوالقاسمی، ۱۳۸۹: ۲۹). زازایی مثل گورانی دارای دو حالت فاعلی[2] و غیرفاعلی[3] است که حالت فاعلی بی‌نشان و حالت غیرفاعلی نشاندار است. برای نمونه، هم در زازایی و هم درگورانی دو تکواژ جمع، یکی در حالت فاعلی و دیگری در حالت غیرفاعلی، وجود دارند که در زیربخش (د) به آن‌ها اشاره می‌شود. کردی سورانی همچون فارسی حالت ندارد (مکنزی، ۱۹۶۱: ۵۶؛ لیزنبرگ، ۱۹۹۳: ۴، ۷)، اما در کردی کرمانجی مانند گورانی تمایز بین دو حالت فاعلی و غیرفاعلی وجود دارد، ولی حوزهٔ عملکرد آن مثل گورانی نیست؛ به این معنا که به اندازهٔ گورانی یک‌دست، فراگیر و گسترده نیست و، همان‌گونه که بلو (۱۳۸۳: ۵۴۶) می‌گوید، با گذر مرز همگویی از مسیر شمال به شمال شرقی عراق این تمایز به‌تدریج از بین می‌رود. این وضعیت نیز تأیید دیگری بر دیدگاه سجادی (۲۰۲۳) است که در بخش مقدمه آمده است. در نخستین جدول زیر نشانگرهای حالت در گورانی (همان: ۱۱) و در جدول بعد از آن نشانگرهای حالت در زازایی (تاد، ۲۰۰۸: ۳۶) آمده‌اند.

د) ایرانی باستان دارای سه شمار مفرد، مثنی و جمع است که با نشانه‌های مختلفی که به پایان اسم می‌پیوندند، مشخص می‌شوند (ابوالقاسمی، ۱۳۸۹: ۲۸، ۲۹). زازایی مثل گورانی دارای دو شمار مفرد و جمع است. تکواژ جمع در زازایی به مانند گورانی، /-i/ (زازایی) و /-e/ (گورانی) در حالت فاعلی و /-ā(n)/ (هم زازایی و هم گورانی) در حالت غیرفاعلی، است (سجادی، ۲۰۲۳: ۱۱، ۱۲؛ پاول، ۲۰۰۹: ۵۴۸؛ تاد، ۲۰۰۸: ۳۵، ۳۶). تفاوت تکواژ جمع حالت فاعلی زازایی و گورانی تنها در میزان کشش واکه است. در کردی مانند فارسی تنها یک تکواژ جمع یعنی /-ān/ وجود دارد هرچند در فارسی از تکواژهای دیگر، از جمله /-hā/ و /-āt/ استفاده می‌شود که دومی قرض‌گیری از عربی است. در واقع، کردی در این

[1] «مذکر نزدیک» منظور ضمیری است که برای اشاره به اسمی که هم مذکر (جنس دستوری آن) است و هم نزدیک (مکان و فاصلهٔ آن با گوینده)، به کار می‌رود. برای اشاره به اسمی که هم مذکر است و هم دور، از «مذکر دور» استفاده می‌شود. در مورد «مؤنث نزدیک و دور» هم همین طور است.

[2] direct

[3] oblique

ویژگی هم شبیه فارسی است و هم گورانی. چنین وضعیتی تأیید دیگری بر دیدگاه سجادی (۲۰۲۳) است که در بخش مقدمه آمده است.

جدول ۶: نشانگرهای حالت در گورانی

غیرفاعلی	فاعلی
۱. /-i[2], -y[3]/ (مفرد و مدکر)، مانند: (/das**i**/= دست)، (/bara**y**/= در)	۱. مختوم به همخوان یا واکه‌های تکیه‌دارِ /- ˈi, -ˈō, -ˈu, -ˈa, -ˈā/ (مفرد و مذکر)، مانند: (/das**ـ**/= دست)، (/baˈr**a**/= در)، (/gəˈj**i**/= پیراهن)، (/dāłˈh**ō**/= مترسک)، (/ža ˈž**u**/= جوجه تیغی)، (/zaˈm**ā**/= داماد)
۲. /-ˈe/ (مفرد و مؤنث)، مانند: (/luˈt**e**/= بینی)	۲. مختوم به واکه‌های بدون تکیهٔ /-a, -i/ و تکیه‌دار /-ˈe, -ˈā/ (مفرد و مؤنث)، مانند: (/ˈmāng**a**/= ماه)، (/ˈčāšt**i**/= غذا)، (/waywəˈł**e**/= عروسک)، (/daˈg**ā**/= روستا)[1]
۳. /-ā(n)/ (جمع)، مانند: (/māšin**ā(n)**/= ماشین‌ها)	۳. /-e/ (جمع)، مانند: (/māšin**e**/= ماشین‌ها)

جدول ۷: نشانگرهای حالت در زازایی

حالت	مذکر	مؤنث	جمع
فاعلی	ø	ø	-i
غیرفاعلی	-i	-ˈər	-ˈɑn

ه) ضمایر اشاره در زازایی دارای صورتی نزدیک[4] و صورتی دور[5]، همانند ضمایر سوم شخص مفردند (پاول، ۲۰۰۹: ۵۵۱). در گورانی هم چنین ضمایر اشاره‌ای وجود دارند با این تفاوت که در گورانی یک صورت دیگر یعنی «دورتر[6]» وجود دارد (سجادی، ۲۰۲۳: ۸، ۹). در جدول زیر ضمایر اشارهٔ زازایی (پاول، ۲۰۰۹: ۵۵۱) و در جدول بعد از آن، ضمایر اشارهٔ گورانی (سجادی، ۲۰۲۳: ۸، ۹) آمده‌اند. چنین ضمایری در کردی همچون فارسی وجود ندارند.

جدول ۸: ضمایر اشارهٔ زازایی

	فاعلی	غیرفاعلی
مذکر نزدیک	/nō/	/ney/
مذکر دور	/ō/	/ey/
مؤنث نزدیک	/nā/	/nāy/
مؤنث دور	/ā/	/āy/

[1] در واقع، اسم‌های مفرد (هم مذکر و هم مؤنث) در حالت فاعلی صورت ساختواژی خاصی ندارند؛ به این معنا که وند ساختواژی خاصی نمی‌گیرند، بلکه با نشانگرهای جنس دستوری‌شان می‌آیند. جایگاهشان حالتشان را مشخص می‌کند. به بیانی دیگر، باید گفت که نشانگرهای جنس دستوری و حالتشان یکی است (سجادی، ۲۰۲۳: ۱۱).

[2] پس از همخوان

[3] پس از واکه

[4] proximal

[5] distal

[6] more distal

جدول ۹: ضمایر اشارهٔ گورانی

	نزدیک (این)	**دور** (آن)	**خیلی دور** (آن)
مفرد مذکر	/ʔina/	/ʔāna/	/ʔuna/
مفرد مؤنث	/ʔine/	/ʔāne/	/ʔune/
جمع (این‌ها، آن‌ها)	/ʔine/	/ʔāne/	/ʔune/

و) از میان اعداد اصلی در زازایی عدد «یک» دارای تمایز جنس دستوری است: /žew= یک (مذکر)/ و /žu= یک (مؤنث)/ (تاد، ۲۰۰۸: ۵۴). در گورانی هم چنین تمایزی در مورد این عدد وجود دارد: /yō= یک (مذکر)/ و /yəv/wa= یک (مؤنث)/. در ایرانی باستان اعداد «یک» تا «چهار» صرف می‌شوند، ضمایر مبهم دارای تمایز جنس دستوری‌اند و برابرنهاد این عدد اصلی،/-aeva/ است (ابوالقاسمی، ۱۳۸۹: ۸۰، ۹۷). به نظر می‌رسد، تاد تمایز جنس دستوری عدد اصلی «یک» را با تمایز جنس دستوری در ضمیر مبهم خلط کرده است. به بیانی دیگر، /žew/ و /žu/ زازایی و /yō/ و /yəv/wa/ گورانی به‌ترتیب ضمیر مبهم مذکر و مؤنث و برابرنهاد فارسی «یکی» هستند (سجادی، ۲۰۲۳: ۹). بااین‌حال، در هر دو صورت (تمایز جنس دستوری در عدد اصلی «یک» و تمایز جنس دستوری در ضمیر مبهم «یکی»)، زازایی در این ویژگی مانند گورانی است و در ایرانی باستان هر دو صورت وجود دارند. در کردی همچون فارسی چنین ویژگی‌ای وجود ندارد.

ز) تکواژ مجهول‌سازِ ایرانی باستان (اوستایی و فارسی باستان) کاملاً شبیه تکواژ مجهول‌ساز در گورانی (به‌ترتیب /-iia-/، /-ya-/، و /-ya-/، /-yā-/) تکیه‌دار است (لیزنبرگ، ۱۹۹۳: ۸، ۱۳، ۱۴؛ ابوالقاسمی، ۱۳۸۹: ۱۵۳). تکواژ مجهول‌ساز در زازایی مانند گورانی، /-ya-/ برای حال و /-yā-/ برای گذشته است (لیزنبرگ، ۱۹۹۳: ۸، ۱۳). در کردی سورانی علاوه بر این تکواژهای مجهول‌ساز گورانی، از /re-/ برای حال و /rā-/ برای گذشته نیز استفاده می‌شود (سجادی، ۲۰۲۳: ۱۲). به باور مکنزی (۱۴۰۱: ۲۰۹) وجود تکواژ مجهول‌ساز گورانی در کردی ناشی از قرض‌گیری مستقیم از گورانی است. در کردی کرمانجی برای مجهول‌سازی از فعل کمکیِ /hātən= آمدن/ استفاده می‌شود، مانند /de hāta koštən= «او کشته می‌شود. (تحت‌اللفظی): او می‌آید به کشتن»/ (مکنزی، ۱۴۰۱: ۲۰۴، ۲۰۵؛ لیزنبرگ: ۱۹۹۳: ۳). مجهول‌سازی در فارسی با افزودن صورت‌های فعل کمکیِ «شدن» به صفت مفعولی (ستاک گذشتهٔ فعل + /-e/) انجام می‌شود. همان‌گونه که مشخص است، شیوهٔ مجهول‌سازی در زازایی و گورانی مانند ایرانی باستان است، اما در کردی کرمانجی شبیه فارسی و یکی از روش‌های مجهول‌سازی در کردی سورانی نتیجهٔ قرض‌گیری مستقیم از گورانی است. این وضعیت نیز تأیید دیگری بر دیدگاه سجادی (۲۰۲۳) است که در بخش مقدمه آمده است.

ح) معرفه بودن اسم در ایرانی باستان با /-awa= آن/ و /-ima= این/ نشان داده می‌شود و هر دو با اسم به لحاظ جنس، شمار و حالت مطابقت می‌کنند (ابوالقاسمی، ۱۳۸۹: ۲۸، ۲۹). تکواژ معرفه در زازایی مانند گورانی /-aka/ است (لیزنبرگ، ۱۹۹۳: ۱۳؛ مکنزی، ۱۴۰۱: ۲۰۶). در گورانی این تکواژ برای مذکر و تکواژ /-ake/ برای مؤنث است و مانند ایرانی باستان هر دو با اسم از لحاظ جنس دستوری، شمار و حالت مطابقت می‌کنند (سجادی، ۲۰۲۳: ۱۷– ۱۹). تکواژ معرفه در کردی کرمانجی همچون فارسی معیار وجود ندارد و تنها راه معرفه کردن اسم در آن، استفاده از صفات اشاره است. تکواژ /-aka/ در کردی سورانی وجود دارد که ناشی از قرض‌گیری مستقیم از گورانی است (مکنزی، ۱۴۰۱: ۲۰۶، ۲۱۱، ۲۱۲). این وضعیت نیز تأیید دیگری بر دیدگاه سجادی (۲۰۲۳) است که در بخش مقدمه آمده است. مطابقت تکواژ معرفه با اسم در جنس دستوری، شمار و حالت در زازایی و گورانی، در کردی مثل فارسی وجود ندارد.

ط) نکره بودن اسم در ایرانی باستان با /-aiwa= یک/ نشان داده می‌شود و با اسم به لحاظ جنس دستوری و حالت مطابقت می‌کند (ابوالقاسمی، ۱۳۸۹: ۲۸، ۲۹). در گورانی دو تکواژ نکرهٔ /-e(w)/ برای مذکر و /-e(v/wa)/ برای مؤنث

وجود دارند که هر دو مانند ایرانی باستان از لحاظ جنس دستوری و حالت با اسم مطابقت می‌کنند (سجادی، ۲۰۲۳: ۱۳، ۱۷–۱۲). تکواژ نکره در زازایی (تاد، ۲۰۰۸: ۴۲) همچون گورانی، /e-/ است. همان‌گونه که مشخص است، تکواژ نکرهٔ گورانی همان تکواژ نکرهٔ ایرانی باستان و بازماندهٔ آن است (ابوالقاسمی، ۱۳۸۹: ۳۷). تکواژ نکره در کردی، /e(k)-/، همانند فارسی، /i-/، است. تنها تفاوت، میزان کشش این تکواژ است که در فارسی کشیده، اما در کردی کوتاه است. همچنین، مطابقتی که تکواژ نکره با اسم در جنس دستوری و حالت در زازایی و گورانی می‌کند، در کردی مثل فارسی وجود ندارد.

ی) /azəm/ ضمیر شخصی منفصل اول شخص مفرد در حالت فاعلی در ایرانی باستان (اوستایی) است (ابوالقاسمی، ۱۳۸۹: ۱۰۳). در زازایی مانند گورانی دو ضمیر شخصی منفصل اول شخص مفرد وجود دارند: /ʔaz/ در حالت فاعلی و /mən/ (زازایی) و /mən, ʔamən, ʔam/ (گورانی) در حالت غیر فاعلی (تاد، ۲۰۰۸: ۴۵؛ سجادی، ۲۰۲۳: ۹). /ʔaz/ زازایی و گورانی در حالت فاعلی، بازماندهٔ /azəm/ ایرانی باستان (ابوالقاسمی، ۱۳۸۹: ۱۳) است. در کردی مثل فارسی، /man/، این ضمیر در هر دو حالت، /mən/ است.

ک) حروف اضافهٔ زازایی /bən= در زیر/، /var= در جلو/ و /sar= روی/ (تاد، ۲۰۰۸: ۷۹، ۸۰؛ پاول، ۲۰۰۹: ۵۵۳) دقیقاً برابرنهاد گورانی آنها یعنی /bən(a)/، /var/ و /sar/ هستند. برابرنهاد کردی و فارسی آن‌ها به‌ترتیب /(la) žer/، /bar/، /bān/ و /(dar) zir/، /ǰōlō/، /ru, bālā/ هستند.

ل) قیدهای /waš= خوب، به‌خوبی/، /pār= پارسال/، /wār= پایین/ و /awrō= امروز/ در زازایی (پاول، ۲۰۰۹: ۵۵۳، ۵۵۴) دقیقاً برابرنهاد گورانی آن یعنی /waš/، /pār/، /wār/ و /ʔārō/ است. برابرنهاد کردی و فارسی آن‌ها به‌ترتیب /čāk, ba čāki, bāš, ba bāši/، /xub, be xubi/ و /ʔe/amřō/، /xowār/، /pāraka/، /pārsāl/، /pāyin/، /ʔemruz/ است.

م) اعداد ۲، ۳ و ۲۰ در ایرانی باستان به‌ترتیب /-dva/، /-θri/ و /-vīsa/ هستند (ابوالقاسمی، ۱۳۸۹: ۸۰). این اعداد در زازایی (پاول، ۲۰۰۹: ۵۵۴؛ تاد، ۲۰۰۸: ۵۴) و گورانی مانند ایرانی باستان به‌ترتیب /de/، /hire/، /vist/ و /dəv/we/، /yare/، /v/wis/ هستند. در کردی مثل فارسی، /yec/، /dō/ و /bist/، به‌ترتیب /yak/، /du/ و /bis(t)/ هستند. تنها تفاوت، نوع واکه‌های آن‌ها، دو عدد اول، و اختیاری بودن همخوان پایانی /t/ در کردی، عدد سوم، است.

ن) تکواژ مصدرساز در ایرانی باستان /-tanaiy/ است، مانند /bar**tanaiy**= بردن/، /kan**tanaiy**= کندن/ (ناتل‌خانلری، ۱۳۷۹: ۲۷۹؛ ابوالقاسمی، ۱۳۸۹: ۱۴۷). تکواژ مصدرساز در زازایی، /-š(y)ə/ (مذکر) و /-(y)an(-i)/ (مؤنث) است که در آخر ستاک گذشتهٔ فعل می‌آید، مانند: /gayrā**yəš**= چرخیدن/، /ǰəkard**(y)an(i)**= بریدن، قطع کردن/ (پاول، ۲۰۰۹: ۵۵۷). تکواژ مصدرساز در گورانی، /-ay/ و/ /-āy/ هستند که مانند زازایی در پایان ستاک گذشتهٔ فعل می‌آیند (سجادی، ۲۰۲۳: ۱۲)، مانند: /geł**āy**= چرخیدن/، /bəřy**ay**= بریدن، قطع کردن/. تکواژ مصدرساز در کردی شبیه به تکواژ مصدرسازِ فارسی و به‌ترتیب /-ən/ (مانند /xawt**ən**= خوابیدن/) و /-an/ (مانند /xābid**an**= خوابیدن/) است. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، تکواژ مصدرساز زازایی با اندکی تفاوت مانند تکواژ مصدرساز گورانی و هر دو شبیه تکواژ مصدرساز ایرانی باستان است حال‌آن‌که تکواژ مصدرساز کردی مانند فارسی است تنها تفاوت، نوع واکهٔ آغازین تکواژ مصدرساز (فارسی: /-a-/ و کردی: /-ə-/) است و با ایرانی باستان کاملاً متفاوت است.

۳.۱.۵. ویژگی‌های نحوی

الف) در ایرانی باستان صفت با موصوف در شمار مطابقت می‌کند (ابوالقاسمی، ۱۳۸۹: ۵۶ و ۱۳۸۸: ۲۸). در زازایی (تاد، ۲۰۰۸: ۳۵، ۴۲، ۵۲) همچون گورانی هم، برخلاف کردی و فارسی، این ویژگی وجود دارد (سجادی، ۲۰۲۳: ۱۷، ۱۹). در

جدول زیر مطابقت صفت با موصوف در شمار در زازایی (تاد، ۲۰۰۸: ۳۵، ۴۲، ۵۵) و در جدول بعد از آن همین مطابقت در گورانی آمده است.

جدول ۱۰: مطابقت صفت با موصوف در شمار در زازایی

برابرنهاد فارسی	زازایی
پنج کتاب	**pānǰ** pirtōk-**i** five book-PLU[1]
بچه‌های زرنگ [عاقل]	qač-**i** āqəł-**i** kid-PLU.EIM[2] clever-PLU
گرگ‌های بزرگ	varg-**e** gərd-**i** wolf-PLU.EIM large-PLU

در داده‌های زازایی بالا، صفت در شمار با موصوف جمع مطابقت کرده است و تکواژ جمعِ /-i/ گرفته است.

جدول ۱۱: مطابقت صفت با موصوف در شمار در گورانی

برابرنهاد فارسی	فارسی	کردی	گورانی
۱. کتاب خوب	1. /cətā**b**-e xu**b**/ bookSING-EIM niceSING	1. /kəte**b**-i čā**k**/ bookSING-EIM niceSING	1. /kəte**b**-i ʕā**l**/ bookSING[4]-EIM niceSING
۲. کتاب‌های خوب	2./cetāb-**hā**-y-e xu**b**/ book-PLU-CE[3]-EIM niceSING	2. /kəteb-**ān**-i čā**k**/ book-PLU-EIM niceSING	2. /kəteb-**e** ʕāl-**e**/ book-PLU.EIM nicePLU
۱. یک کتاب	1. **/yek** cetā**b**/ one bookSING	1. **/yak** kəte**b**/ one bookSING	1. **/yak** kəte**b**/ one bookSING
۲. سه کتاب	2. **/se** cetā**b**/ three bookSING	2. **/se** kəte**b**/ three bookSING	2. **/yare** kəteb-**e**/ three book-PLU

همان‌گونه که در مثال‌های جدول بالا مشاهده می‌شود، تنها در زازایی و گورانی مانند ایرانی باستان صفت با موصوف به لحاظ شمار مطابقت کرده است و اگر موصوف جمع باشد، صفت هم با آن در شمار مطابقت کرده است و به‌ترتیب تکواژهایِ /-i/ و /-e/ را دارد. در کردی مانند فارسی صفت با موصوف در شمار مطابقت نمی‌کند.

ب) در ایرانی باستان صفت با موصوف در جنس دستوری مطابقت نشان می‌دهد (ابوالقاسمی، ۱۳۸۹: ۵۶ و ۱۳۸۸: ۲۸). برخلاف کردی و فارسی، در زازایی (پاول، ۲۰۰۹: ۵۵) و گورانی هم این ویژگی موجود است (سجادی، ۲۰۲۳: ۱۷). در جدول زیر مطابقت صفت با موصوف در جنس دستوری در زازایی (تاد، ۲۰۰۸: ۹۱، ۹۲) و در جدول بعد از آن این مطابقت در گورانی آمده است.

جدول ۱۲: مطابقت صفت با موصوف در جنس دستوری در زازایی

برابرنهاد فارسی	زازایی
توپ کوچک	tōp-**ā** ward-**i** ball.FEM[5]-EIM small-FEM
کتاب خوب	pirtōk-ō rend book.MAS[6]-EIM good

[1] plural
[2] epithetic ezafe marker
[3] consonant epenthesis
[4] singular
[5] feminine
[6] masculine

در مثال (۱) بالا، «tōp= توپ» مؤنث است و صفت «ward= کوچک» در جنس دستوری با آن مطابقت کرده و /i-/ گرفته است. در مثال (۲)، /pirtōk= کتاب/ مذکر است و صفت /rend= خوب/ در جنس دستوری با آن مطابقت نشان داده است. تکواژ مطابقت صفت در جنس دستوری، «ø» است.

جدول ۱۳: مطابقت صفت با موصوف در جنس دستوری در گورانی

برابرنهاد فارسی	فارسی	کردی	گورانی
گرگ بزرگ	/ɬörɟ-e bōzōrɟ/ wolf-EIM big	/gorg-i gawra/ wolf-EIM big	/varg-i zəl/ wolfMAS-EIM bigMAS
گوسفند بزرگ	/ɟusfand-e bōzōrɟ/ sheep-EIM big	/paz-i gawra/ sheep-EIM big	/ˈmaya-y ˈzəl-a/ sheepFEM-EIM big-FEM

با توجه به مثال‌های جدول بالا، تنها در زازایی و گورانی همچون ایرانی باستان صفت با موصوف در جنس دستوری مطابقت نشان می‌دهد. اسم‌های گورانی مذکرِ /varg= گرگ/ و مؤنثِ /ˈmaya= گوسفند/ به‌ترتیب به همخوانِ /g-/ و واکهٔ بدون تکیهٔ /a-/ ختم شده و صفت‌های آن‌ها یعنی /zəl= بزرگ/ و /ˈzəl-a= بزرگ/ در جنس دستوری با آن‌ها مطابقت نشان داده و به‌ترتیب به همخوانِ /l-/ و واکهٔ بدون تکیهٔ /a-/ ختم شده‌اند.

ج) در ایرانی باستان صفت با موصوف به لحاظ حالت مطابقت می‌کند (ابوالقاسمی، ۱۳۸۹: ۵۶ و ۱۳۸۸: ۲۸). در زازایی مانند گورانی هم صفت با موصوف در حالت مطابقت نشان می‌دهد. در کردی مانند فارسی چنین مطابقتی وجود ندارد (سجادی، ۲۰۲۳: ۱۷، ۱۸). نشانگرهای حالت در زازایی و گورانی در زیربخش (۵. ۱. ۲: ج) آمده اند.

۴.۱.۵. ویژگی‌های واژگانی

در این‌جا دو نوع واژهٔ زازایی با گورانی، فارسی و کردی بررسی و مقابله می‌شوند: هم‌ریشه (هم‌زاد)[1] و طبقه بسته[2]. دلیل بررسی و مقابلهٔ واژه‌های هم‌ریشه آن است که یکی از راه‌های مطالعهٔ رابطهٔ خویشاوندی در میان زبان‌ها، بازسازی است و بازسازی واجی نخستین بخش کار در این زمینه است. برای این منظور از واژه‌های هم‌ریشه استفاده می‌شود. یک واژه در یک زبان با واژه‌ای در زبان دیگری هم‌ریشه است هنگامی که هر دوی آن‌ها دارای نیای مشترک باشند و هیچ کدام در نتیجهٔ روند قرض‌گیری به زبان دیگر وارد نشده باشد. برای یافتن مجموعه‌های هم‌ریشه عاقلانه‌تر آن است که کار با واژه‌هایی شروع شود که برای دوره‌ای طولانی به طور پیوسته در یک زبان بوده‌اند و احتمال به قرض گرفته شدن آن‌ها از زبان‌های دیگر خیلی کم است. تجربه نشان داده است که واژه‌هایی مثل اعداد اصلی، اعضای بدن، اصطلاحات خویشاوندی، برخی از پدیده‌های طبیعی مانند خورشید، روز و غیره که نمایانگر عناصر بسیار معمول و همگانی است، کمتر زیر تأثیر قرض‌گیری از زبان‌های دیگرند و ازاین‌رو، برای بازسازی مناسب‌ترند (آرلاتو[3]، ۱۳۷۳: ۱۳۱–۱۲۹).

دلیل بررسی و مقابلهٔ واژه‌های طبقه بسته هم این است که واژه‌هایی‌اند که عضویت در آن‌ها ثابت و محدود است. همچون واژه‌های طبقه باز عناصر جدید به طور منظم به آن‌ها افزوده نمی‌شود. ضمایر، حروف اضافه، حروف ربط، حروف تعریف و غیره همگی طبقه بسته هستند (کریستال[4]، ۲۰۰۳: ۷۷). بر این اساس، می‌توان گفت که واژه‌های هم–ریشه و طبقه بسته زبان‌ویژه هستند و به‌آسانی قرض گرفته نمی‌شوند. بنابراین، برای مطالعهٔ رابطهٔ خویشاوندی میان زبان‌ها مناسبند. در جدول زیر چندین واژهٔ زازایی همراه با برابرنهاد آن‌ها در گورانی، فارسی و کردی آمده‌اند. واژه‌های

[1] cognate
[2] closed class
[3] A. Arlotto
[4] D. Crystal

زازایی برگرفته از پاول (۱۹۹۸ و ۲۰۰۹)، تاد (۲۰۰۸) و بلو (۱۳۸۳) هستند. در مورد برابرنهادهای کردی در صورت لزوم و نیاز از شرفکندی (۱۳۹۲) و مردوخ‌روحانی (۱۳۹۳) استفاده شده است.

جدول ۱۴: چندین واژهٔ زازایی، گورانی، کردی و فارسی

واژه	فارسی	کردی	گورانی	زازایی
سگ	/saɟ/	/saq/	/səpa/	/aspa/
در (خانه، ..)	/dar/	/dar, dərgā/	/bara/	/bar/
از	/ʔaz/	/la/	/ǰa/	/ǰōy/
ستاک حال فعل «رفتن»	/rav-/	/č-, řō-/	/š-/	/šin-/
ستاک حال فعل «گفتن»	/ɟu-/	/ež-, ał-/	/vāč-/	/vān-/
ستاک حال فعل «دیدن»	/bin-/	/bin-/	/vin-/	/vinen-/
ستاک حال فعل «کردن»	/kōn-/	/ka-/	/kar-/	/kan-/
آتش	/ʔāta/eš/	/ʔāgər/	/ʔātər/	/ādər/
کور، نابینا	/kur/	/kəwer/	/kōr/	/kōr/
بیدار	/bidār/	/xab/war/	/hāy(ā)/	/āyā/
باید	/bāyad/	/ʔabe/	/gō/	/g(u)/
خون	/xun/	/xəwen/	/hun, wəni/	/guni/
موش	/muš/	/məšk/	/məła/	/maře/
دختر	/dōxtar/	/kanišk, kəč, kiž/	/kənāče, kənā/	/kaynā/
چانه	/čāne/	/čana/	/zənǰ/	/zənǰ/
کارد	/kārd/	/kārd/	/kārđi/	/kārdi/
خوب	/xub/	/čāk/	/waš/	/waš/
بین، میان	/bayn, darun/	/nāw/	/məyā/	/məyān/
نام، اسم	/nām/	/nāw/	/nāme/	/nāma/
ستاک گذشتهٔ فعل «کردن»	/kard-/	/kərd-/	/karđ-/	/kard-/
ستاک گذشتهٔ فعل «گفتن»	/ɟōft-/	/got-, wət-/	/vāt-/	/vāt-/
ستاک التزامی فعل «دیدن»	/bin-/	/bin-/	/vin-/	/vin-/
ستاگ گذشتهٔ فعل «دیدن»	/did-/	/bini-, di-/	/di-/	/di-/
ستاک التزامی فعل «کردن»	/kōn-/	/ka-/	/kar-/	/kar-/
ستاک گذشتهٔ فعل «آمدن»	/ʔāmad-/	/hāt-/	/ʔāmā-/	/āma-/
ستاک گذشتهٔ فعل «دویدن»	/david-/	/řā kərd-/	/řamā-/	/ramā-/
ستاک گذشتهٔ فعل «خوردن»	/xōrd-/	/xwārd-/	/wa/ārđ-/	/ward-/
پرنده، گنجشک	/parande/	/bāłanda/	/məričiłe/	/məričək/
برف	/barf/	/bafər/	/wafər, varva/	/vawr/
خواهر	/xāhar/	/xō(y)šk/	/wāłe/	/wā(y)/
خَر	/xar/	/kar/	/har/	/har/

واژه	فارسی	کردی	گورانی	زازایی
پراکنده	/parākande/	/bəłāw/	/vałā(w)/	/vəłā/
گُل	/ɟōl/	/goł/	/vəli/	/vəl/
سیب	/sib/	/sef/	/sāv/wi/	/sā/
چشم	/češm/	/čāw/	/čam/	/čam/
خرس	/xers/	/wərč/	/haš(š)a/	/ħaš/
راه	/rāh/	/ře(ga/ā)/	/řā/	/rāy/
کوچک، ریز	/kučak/	/čəkōla, bučək/	/wərđi/	/wardi/
گرگ	/ɟōrɟ/	/gorg/	/varg/	/varg/
گوسفند	/ɟusfand/	/paz, mař/	/may(a)/	/mi/
بیست (عدد)	/bist/	/bis(t)/	/vis/	/vist/
دود	/dud/	/dukał/	/du(kał)/	/du/
کوه	/kuh/	/kew, kef/	/kō/	/kō/
بلند	/bōland/	/bəłənd/	/barz/	/barz/
مرغ	/mōrq̆/	/māmər, mərišk/	/karga/	/karg/
سه (عدد)	/se/	/se/	/yare/	/hire/
قلب، دل	/del, ɢalb/	/dəł, qalb/	/zeli, zāła/	/zařі/
قوچ	/ɢuč/	/barān/	/barān/	/barān/
کبک	/kabk/	/kaw/	/žaraži/	/zaraž/
گوش	/ɟuš/	/gəwe(čka)/	/gōš/	/gōš/
زبان	/zabān/	/zəmān/	/zəv/wān/	/zəwān/
آتشدان	/ʔāta/ešdān/	/ʔāgərdān/	/ʔātər/ʔāvirgā/	/ādərgā/
آرد	/ʔārd/	/ʔārd/	/h/ʔārđi/	/ārdi/
سیگار	/siɟār/	/siqār/	/ǰəgara/	/ǰəgāra/
زیر	/zir/	/žer/	/čer/	/ǰer/
سگ ماده	/saɟe māde/	/dał/	/dała/	/dał(a)/
کَک	/kak/	/keč/	/kaki/	/kak/
پنج (عدد)	/panɟ/	/penǰ/	/panɬ/	/pānǰ/
پشم	/pašm/	/xōri/	/pažəm/	/pašmi/
روغن	/rōq̆an/	/řōn/	/řəv/wan/	/rowan/
شیر (خوراکی)	/šir/	/šir/	/šet, šōt/	/šət/
چوپان	/čupān/	/šowān/	/šwāna/	/šwāna/
جلوی، پیشین، قبلی، قدیمی	/pišin/	/barin/	/varin/	/varin/
جلو، پیش، قبل	/piš/	/bar/	/var/	/var/
باریدن	/bāridan/	/bārin/	/vārāy/	/vārāyəš/
عروس، عروسی	/ʔarus/	/buk/	/waywa/	/vayva/
پایین	/x(w)ār, pāyin/	/xowār/	/wār/	/wār/
زیبا، بامزه، قشنگ	/zibā/	/čāk, ǰowān/	/xās/	/xāsak/
گندم	/ɟandōm/	/ganəm/	/xala/	/xala/
یاد، ذهن، حافظه	/yād/	/bir/	/vir/	/vir/
کلنگ	/cōlanɟ/	/pāč/	/zangan/	/zangan/
زن	/zan/	/žən/	/žani/	/ǰani/
(در) زیر	/(dar) zir/	/žer, xowār/	/bəna/	/bən/
رو، بالا	/ru, bālā/	/bān/	/sar/	/sar/

واژه	فارسی	کردی	گورانی	زازایی
پارسال	/pārsāl/	/pāraka/	/pār/	/pār/
امروز	/ʔemruz/	/ʔe/amřō/	/ʔārō/	/āwrō/

بررسی واژه‌های زازایی جدول بالا با برابرنهادهای آن‌ها در گورانی، فارسی و کردی نشان می‌دهد این واژه‌ها بیشترین شباهت و یکسانی را با واژه‌های گورانی دارند و در مقابل، برابرنهادهای کردی و فارسی بیشترین شباهت و یکسانی را با همدیگر و بیشترین تفاوت را با واژه‌های زازایی و برابرنهادهای گورانی آن‌ها دارند. همان‌گونه که گفته شد، از آن‌جایی که این واژه‌ها همزاد و طبقهٔ بسته هستند، این می‌تواند بیانگر رابطهٔ خویشاوندی زازایی و گورانی از یک سو و کردی و فارسی از سوی دیگر باشد.

۲.۵. ویژگی‌های ادبی

ادبیات منظوم موجود به زازایی هم به لحاظ فرم و هم محتوا دقیقاً همانند ادبیات گورانی و کاملاً متفاوت با ادبیات کردی و فارسی است. به لحاظ زبانی، گونهٔ زبانی ادبیات زازایی همان گونهٔ زبانی ادبیات گورانی است و گورانی زبانی متمایز و مستقل است. نظام وزنی ادبیات زازایی همان نظام وزنی ادبیات گورانی یعنی هجایی است، حال آن‌که نظام وزنی ادبیات کردی همچون فارسی، عروضی است. در نظام وزنی ادبیات زازایی و گورانی که هجایی است، هر مصراع دارای تعداد مشخصی هجا (معمولاً ده هجا) است که از دو نیم‌مصراع پنج‌هجایی تشکیل می‌شود و وقفه‌ای این دو نیم‌مصراع را از هم جدا می‌کند. به بیانی دیگر، نظام وزنی زازایی و گورانی هجایی و مبتنی بر تعداد هجاهاست، در حالی که نظام وزنی کردی همچون فارسی عروضی و مبتنی بر کمیت هجاهاست.

از دیگر تفاوت‌های ادبیات زازایی و گورانی با کردی و فارسی وجود نوع خاصی از قافیه یعنی قافیهٔ دوگانه/ تک‌بیتی/ مزدوجه[1] یا تک‌قافیه است. این نوع قافیه، مهم‌ترین و معمول‌ترین نوع قافیه و تنها صورت اجباری قافیه در ادبیات زازایی و گورانی است که ادبیات کردی و فارسی فاقد آن است. قالب ادبی غالب در ادبیات زازایی و گورانی، مثنوی، اما در ادبیات کردی، غزل و قصیده است. برخلاف ادبیات کردی، در ادبیات زازایی و گورانی محتوا، موضوع، مضمون و معنا در مقایسه با فرم اهمیت بیشتری دارد. ادبیات زازایی و گورانی عمدتاً رمانتیک، اما ادبیات کردی، کلاسیک است (سجادی، ۱۴۰۴: ۲۷۲، ۲۷۳). از شاعران زازایی می‌توان به ملا احمد خاصی، عثمان افندی و عمربیگ نفعی اشاره کرد. ملا احمد خاصی در اصل اهل بِنگُل، اما متولد هِزان دیاربکر (در سال ۱۸۶۳ میلادی)، دارای مولودنامه‌ای منظوم متشکل از ۷۵۶ بیت است. عثمان افندی، مفتی سیورک، هم مولودنامه‌ای نوشته‌شده به سال ۱۹۰۳ میلادی دارد. نفعی اهل باش‌قلعه، ارزروم ترکیه، و دارای یک دیوان اشعار به زازایی است (بلو، ۱۳۸۳: ۵۵۹؛ روحانی، ۱۳۸۲: ۱۸۳). شایان ذکر است که نظام وزنی هجایی، نظام وزنی غالب ایرانی باستان تا پیش از آمدن اسلام است. با آمدن اسلام، نظام وزنی فارسی و کردی تحت تأثیر نظام وزنی عربی، عروضی شد، اما نظام وزنی گورانی از این نظام وزنی متأثر نشد و همان نظام وزنی ایرانی باستان را تاکنون حفظ کرده است.

در این بخش به بررسی و مقابلهٔ چند ویژگی زبان‌شناختی و ادبی زازایی در پنج زیربخش ویژگی‌های واجی، ساختواژی، نحوی، واژگانی و ادبی با ایرانی باستان، گورانی، کردی و فارسی پرداخته شد. در ۱۱ ویژگی واجی، ۱۴ ویژگی ساختواژی، ۳ ویژگی نحوی، ۷۷ واژه (ویژگی‌های واژگانی) و ویژگی‌های ادبی هم به لحاظ فرم و هم محتوا الف) زازایی با گورانی یا کاملاً شبیه یا دارای بیشترین شباهت (تقریباً ۱۰۰ درصد) است. ازاین‌رو، بین گویشوران آن‌ها تفاهم متقابل به‌آسانی وجود دارد. میان زازایی و گورانی تفاوت‌های جزئی آوایی و واجی، واژگانی و/ یا دستوری وجود

[1] couplet

دارند که مانع تفاهم متقابل بین گویشوران آن‌ها نمی‌شوند. ب) هم زازایی و هم گورانی با ایرانی باستان بیشترین شباهت (تقریباً ۱۰۰ درصد) را دارند. ج) کردی با فارسی دارای بیشترین شباهت (تقریباً ۱۰۰ درصد) است. د) زازایی و گورانی با هم کردی و هم فارسی از بیشترین تفاوت (تقریباً ۱۰۰ درصد) برخوردارند. بنابراین، میان گویشوران زازایی و گورانی با کردی تفاهم متقابل اصلاً وجود ندارد. ه) هم کردی و هم فارسی با ایرانی باستان حائز بیشترین تفاوت و کمترین شباهت (تقریباً ۱۰۰ درصد) هستند.

در مواردی کردی یا با زازایی و گورانی شباهت نشان می‌دهد یا رفتاری دوگانه دارد؛ به این معنا که همزمان شبیه فارسی و زازایی و گورانی است، مانند: زیربخش‌های ۵– ۱– ۱: الف، ز، ۵– ۱– ۲: الف، ج، د، ز، ح و (۵– ۱– ۴: برابرنهادهای آن برای واژه‌های «کارد، دود، قوچ، آرد، سگ ماده». این شباهت زازایی و گورانی با ایرانی باستان و تفاوتشان هم با کردی و هم با فارسی از یک سو و شباهت کردی با فارسی و تفاوت هر دو با ایرانی باستان، شباهت کردی با زازایی و گورانی یا همزمان با زازایی و گورانی و فارسی در مواردی و در نتیجه، عدم وجود یک‌دستی در آن و مشابهت‌ها و رفتارهای چندگانهٔ آن از سوی دیگر می‌تواند روشن‌کنندهٔ روند تحول تاریخی و تبارشناختی این چهار گونهٔ زبانی و نیز جایگاه و وضعیت کنونی آن‌ها در میان گونه‌های زبانی ایرانی و مؤید الف) فرضیهٔ هدف اصلی پژوهش باشد که بر اساس آن زازایی یکی از گویش‌های زبان گورانی است و هیچ ارتباطی با کردی ندارد و ب) دیدگاه سجادی (۲۰۲۳) و نیز تأثیر گورانی بر کردی باشد، چرا که همان‌گونه که در بخش ملاحظات نظری اشاره شد، گورانی دست‌کم از هنگام آمدن اسلام به ایران تا اوایل قرن بیستم میلادی و به طور مشخص تا سال ۱۹۱۹ میلادی زبان ادبی، درباری، مشترک و رسمی غرب فلات ایران و مشخصاً آن جایی بوده است که امروز به آن کردستان گفته می‌شود. افزون‌براین، نتیجهٔ مطالعات و بررسی‌هایی همچون مکنزی (۱۴۰۱) و لیزنبرگ (۱۹۹۳) تأثیر گورانی را بر کردی نشان داده‌اند. نکتهٔ مهم دیگری که می‌تواند مؤید دیدگاه سجادی (۲۰۲۳) باشد، گفتهٔ مکنزی (۱۴۰۱: ۱۸۵) است مبنی بر این‌که «... بنابراین، نخستین وظیفه و کار من می‌تواند این باشد که کردی را با یافتن ویژگی‌هایی که آن را از دیگر گویش‌های ایرانی متمایز می‌سازند، تعریف کنم. البته پیش از هر چیز باید یادآور شوم که متأسفانه یافته‌هایم تا حد زیادی منفی هستند و خلاف این را نشان می‌دهند، زیرا تقریباً هر ویژگی کردی دارای همتایی در دست‌کم یکی دیگر از گویش‌های ایرانی است».

تلقی کردی به‌عنوان زبانی متمایز و مستقل می‌تواند نتیجهٔ عوامل برون‌زبانی[1] و رابطهٔ دیالکتیکی بین مفهوم زبان و گویش (ارانسکی، ۱۳۸۶: ۲۸) باشد وگرنه به لحاظ زبان‌شناختی درزمانی و همزمانی نمی‌تواند زبانی متمایز و مستقل باشد، بلکه بر اساس دیدگاه سجادی (۲۰۲۳) می‌توان گفت که در واقع، گونهٔ زبانی آمیخته‌ای بوده است که سپس و اکنون به گونهٔ زبانی مادری‌شده تبدیل شده است. بیشترین شباهت را با فارسی دارد به‌گونه‌ای که می‌توان از آن به‌عنوان گونه‌ای فارسی نام برد. یک نکتهٔ مهم دیگر که می‌تواند مؤید دیدگاه سجادی (۲۰۲۳) باشد، این است که، همانگونه که بر اساس شواهد ارائه‌شده مشخص است، زازایی و گورانی تقریباً همهٔ ویژگی‌های واجی، ساختواژی، نحوی، واژگانی و ادبی ایرانی باستان را حفظ کرده‌اند که این بیانگر پیشینهٔ تاریخی کهن آن‌هاست، همان‌گونه که مکنزی (۱۴۰۰: ۲۸، ۲۹) نیز می‌گوید، حال آن‌که کردی تقریباً هیچ کدام از این ویژگی‌ها را ندارد. بر این اساس، می‌توان گفت که کردی گونه‌ای زبانی بوده است که بعدها، از دورهٔ نو زبان‌های ایرانی به بعد، شکل گرفته است به‌ویژه آن‌که به گفتهٔ وان برویین‌سن[2] (۱۳۹۷: ۱۰۰)، اصطلاح «کرد» برای نخستین بار در منابع عربی قرون اولیهٔ دوران اسلامی به چشم می‌خورد و حتی در آن زمان هم دلالت معنایی زبانی نداشته است.

[1] extralinguistic
[2] Van Bruinessen

اختلاف نظر در مورد جایگاه زازایی در میان پژوهشگران را می‌توان ناشی از دو عامل اصلی دانست: الف) آنچه در پایان بخش ۲ (پیشینهٔ پژوهش) به آن اشاره شد به‌ویژه عدم آشنایی کامل پژوهشگران با زازایی و مهم‌تر از آن گونه‌های زبانی مرتبط با آن، از جمله گورانی و کردی و عدم تخصص آن‌ها در این زمینه و بررسی، مقابله و تحلیل ویژگی‌های زبان‌شناختی و ادبی زازایی با این گونه‌های زبانی هم به صورت همزمانی و هم درزمانی و در صورت وجود آشنایی و تخصص، بررسی، مقابله و تحلیل با استفاده از شواهد محدود. ب) نادیده گرفتن برخی عوامل زبان‌شناختی، از جمله جزیره‌ای‌بودن زازایی در میان گونه‌های زبانی دیگر، مانند ترکی، کردی (کرمانجی)، ارمنی، عربی و فارسی و در نتیجه، تأثیرپذیری شدید زازایی از این گونه‌های زبانی و عوامل برون‌زبانی مانند فاصله و گسست جغرافیایی زیاد و تاریخی طولانی زازاها با بقیهٔ گوران‌ها در ایران و عراق. این پژوهش با دارا بودن عامل نخست و در نظر گرفتن عامل دوم نشان می‌دهد که اولاً، در راستای دیدگاه سجادی (۲۰۲۳) گورانی زبانی متمایز و مستقل و نه گونه‌ای از به‌اصطلاح کردی و کردی نه زبانی متمایز و مستقل، بلکه در واقع، نوعی گونهٔ زبانی آمیختهٔ مادری‌شده است و ثانیاً، زازایی یکی از گویش‌های این زبان یعنی گورانی است.

علاوه بر ویژگی‌های زبان‌شناختی و ادبی همزمانی و درزمانی که در این پژوهش به آن‌ها پرداخته شد، ویژگی‌ها و جایگاه زازایی، گورانی، کردی و فارسی به لحاظ تبارشناختی (درخت تبارشناختی زبان‌های ایرانی فرانکفورت (۲۰۰۰)[1]؛ پاول، ۲۰۰۳: ۶۱؛ ورنر، ۲۰۱۲: ۸؛ گونتر، ۲۰۰۴: ۵۸، ۵۹؛ پاتس[2]، ۱۴۰۱: ۴۰، ۴۱؛ مان، ۱۹۰۹: XXIIIn؛ مینورسکی، ۱۹۴۳: ۷۵، ۸۸، ۸۹) (کردی همچون فارسی غربی‌جنوبی و تداوم فارسی میانه و باستان، اما زازایی همچون گورانی غربی‌شمالی و تداوم پارتی و مادی است) و عوامل برون‌زبانی، از جمله آیین، شیوهٔ معیشت و به‌طور کلی فرهنگ مادی و معنوی، سنت سیاسی و تاریخی (ورنر، ۲۰۱۲: ۳؛ اوشیا، ۲۰۰۴: ۳۲، ۳۹، ۶۵؛ لیزنبرگ، ۱۹۹۳: ۱۷)، مؤید فرضیهٔ هدف اصلی پژوهش و دیدگاه سجادی (۲۰۲۳) به‌عنوان هدف فرعی پژوهش هستند.

۶. نتیجه‌گیری

در این پژوهش چند ویژگی زبان‌شناختی و ادبی زازایی با ایرانی باستان، گورانی، فارسی و کردی به روش تحلیل مقابله‌ای در راستای اهداف اصلی و فرعی پژوهش مورد بررسی، مقابله و تحلیل قرار گرفتند. این ویژگی‌ها شامل ۱۱ ویژگی واجی، ۱۴ ویژگی ساختواژی، ۳ ویژگی نحوی، ۷۷ واژه (ویژگی‌های واژگانی) و ویژگی‌های ادبی هم به لحاظ فرم و هم محتوا بودند. بررسی، مقابله و تحلیل این ویژگی‌ها مؤید الف) فرضیهٔ هدف اصلی پژوهش است که بر اساس آن زازایی یکی از گویش‌های زبان گورانی است و هیچ ارتباطی با کردی ندارد و ب) دیدگاه سجادی (۲۰۲۳) است مبنی بر این‌که «گورانی زبانی متمایز و مستقل نه گونه‌ای از به‌اصطلاح کردی و کردی نه زبانی متمایز و مستقل، بلکه نوعی گونهٔ زبانی آمیختهٔ مادری‌شده و در واقع، گونه‌ای فارسی است».

افزون بر ویژگی‌های زبان‌شناختی و ادبی همزمانی و درزمانی که در این پژوهش به آن‌ها پرداخته شد، ویژگی‌ها و جایگاه زازایی، گورانی، کردی و فارسی به لحاظ تبارشناختی و عوامل برون‌زبانی، از جمله آیین، شیوهٔ معیشت و به‌طور کلی فرهنگ مادی و معنوی، سنت سیاسی و تاریخی، مؤید فرضیهٔ هدف اصلی پژوهش و دیدگاه سجادی (۲۰۲۳) به‌عنوان هدف فرعی پژوهش هستند.

نتایج این پژوهش می‌تواند در بازنگری اساسی دیدگاه‌ها دربارهٔ جایگاه زبان‌های ایرانی به‌طور کلی، جایگاه زازایی در میان زبان‌های ایرانی و رابطهٔ آن با گورانی و کردی به طور خاص، مستندسازی، دستورنویسی، فرهنگ‌نویسی، مطالعات تاریخی و فرهنگی مورد استفاده قرار گیرد.

---

[1] https://titus.uni-frankfurt.de/didact/idg/iran/iranstam.htm
[2] D. Potts

ملاحظات اخلاقی

پیروی از اصول اخلاق پژوهش

نویسنده اصول اخلاقی را در انجام و انتشار این پژوهش علمی رعایت کرده است.

تعارض منافع

بر مبنای اطهار نظر نگارنده، این مقاله تعارض منافع ندارد.

منابع

آرلاتو، آنتونی (۱۳۷۳). *درآمدی بر زبان‌شناسی تاریخی*، ترجمهٔ یحیی مدرسی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

آساطوریان، گارنیک (۱۳۷۲). «زازاها: قومی ناشناخته». ترجمهٔ ماریا آیوازیان، *تحقیقات تاریخی*، (۸)، ۱–۷.

ابوالقاسمی، محسن (۱۳۸۸). *تاریخ زبان فارسی*، تهران: سمت.

---------- (۱۳۸۹). *دستور تاریخی زبان فارسی*، تهران: سمت.

ارانسکی، یوسیف م. (۱۳۸۶). *زبان‌های ایرانی*، ترجمهٔ علی‌اشرف صادقی، چاپ دوم، تهران: سخن.

بلو، جویس (۱۳۸۳). «گورانی و زازا»، *راهنمای زبان‌های ایرانی، جلد دوم: زبان‌های ایرانی نو*، ویراستار: رودیگر اشمیت، ترجمهٔ فارسی زیر نظرِ حسن رضایی باغ‌بیدی، تهران: انتشارات ققنوس، ۵۵۵– ۵۶۲.

------- (۱۳۸۳). «کُردی»، *راهنمای زبان‌های ایرانی، جلد دوم: زبان‌های ایرانی نو*، ویراستار: رودیگر اشمیت، ترجمهٔ فارسی زیر نظر حسن رضایی باغ بیدی، تهران: انتشارات ققنوس، ۵۴۱– ۵۵۴.

بی‌جن‌خان، محمود (۱۳۹۲). *نظام آوایی زبان فارسی*، تهران: سمت.

پاتس، دنیل (۱۴۰۱). « گوریانیا، Γουράνιοι و گوران». *فصلنامهٔ علمی‌تخصصی تاریخ نو*، (۳۱)، ۳۶– ۵۶.

حق‌شناس، علی‌محمد (۱۳۸۶). *آواشناسی (فونتیک)*، تهران: مؤسسه انتشارات آگاه.

رخزادی، علی (۱۳۹۰). *آواشناسی و دستور زبان کُردی*، سنندج: کردستان.

روحانی، بابامردوخ (۱۳۸۲). *تاریخ مشاهیر کُرد: عرفا، علما، ادبا، شعرا*، به کوشش محمدماجد مردوخ‌روحانی، ج اول، تهران: سروش.

دبیرمقدم، محمد (۱۳۸۷). «زبان، گونه، گویش و لهجه: کاربردهای بومی و جهانی». *مجله ادب‌پژوهی*، (۵)، ۹۱ – ۱۲۸.

سجادی، سیدمهدی (۱۳۹۵). «تکیه و نقش‌های آن در زبان هَورامی». *دوفصلنامهٔ زبان‌شناسی گویش‌های ایرانی*، ۱ (۲)، ۱۶۱–۱۷۶.

---------- (۱۴۰۱). «هورامان: آخرین پناهگاه و پایگاه زبان، ادبیات و هویت گورانی». *مجموعه مقالات همایش بین‌المللی هورامان: ثبت جهانی، فرهنگ و توسعهٔ پایدار*، کرمانشاه: دانشگاه رازی، ۴۰۴– ۴۲۵.

---------- (۱۴۰۴). «چند ویژگی زبان‌شناختی و ادبی گویش (گورانی) ادبیِ زبان گورانی». *مجموعه مقالات ششمین همایش بین‌المللی زبان‌ها و گویش‌های ایرانی*. به کوششِ محمود جعفری دهقی، ارائه‌شده در ششمین همایش بین‌المللی زبان‌ها و گویش‌های ایران *(گذشته و حال)* به تاریخِ ۱۵ اسفندماه ۱۴۰۱، تهران: مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی: ۲۴۹–۲۸۲.

شرفکندی، عبدالرحمن (۱۳۹۲). *هَنبانه بُرینه: فرهنگ کردی– فارسی هَزار*، چاپ نهم، تهران: سروش.

کامبوزیا، عالیه کرد زعفرانلو و سیدمهدی سجادی (۱۳۹۲). «ساخت هجا در زبان هورامی (گویش هورامان تخت)». *فصلنامهٔ مطالعات زبان و گویش‌های غرب ایران*، ۱ (۲)، ۵۷–۷۸.

مدرسی‌قوامی، گلناز (۱۳۹۰). *آواشناسی: بررسی علمی گفتار*، تهران: سمت.

مردوخ‌روحانی، محمدماجد (۱۳۹۳). *فرهنگ جیبی فارسی– کُردی دانشگاه کردستان*، چاپ دوم، سنندج: دانشگاه کردستان.

مکنزی، دی. ان. (۱۴۰۰). *زبان گورانی (گویش هَورامیِ لُهونی): کلیات دستور زبان، متون و واژگان*، ترجمه، نقد و تصحیح: سیدمهدی سجادی، سنندج: نشر تافگه.

---------- (۱۴۰۱). «ریشه‌های کُردی». ترجمه، نقد و تصحیح: سیدمهدی سجادی، *فصلنامهٔ علمی‌تخصصی فرهنگ مردم ایران*، (۷۰)، ۱۸۳– ۲۱۴.

مرشدی، سیاوش (۱۳۹۳). *زبان زازا (دیمیلی)*، تهران: مؤسسهٔ نشر بلخ.

محمدی، آزاد و محمود بی‌جن‌خان (۱۳۹۹). «بازنگری ساخت هجایی در زبان کردی مرکزی». *پژوهش‌های زبانی*، ۱۱ (۲)، ۱۷۶– ۱۹۷.

ناتل‌خانلری، پرویز (۱۳۷۹). *دستور زبان فارسی*، تهران: آزاده.

وان برویین‌سن، مارتین. (۱۳۹۷). «هویت قومی کردها در ترکیه». ترجمهٔ سیدمهدی سجادی، *فصلنامهٔ علمی‌تخصصی تاریخ نو*، ۸ (۲۵)، ۹۷- ۱۰۶.

Arlotto, A. (2005). *An Introduction to Historical Linguistics.* Translated by Yahya Modarresi, Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies. [In Persian]

Asatrian, G. (2004). "The Zaza: An Unknown Tribe". Translated by Maria Aiwazyan, *Historical Researches*, (8), 1-7. [In Persian]

Abolghassemi, M. (2009). *A History of the Persian Language*, Tehran: SAMT. [In Persian]

−−−−−−−−−−−−−−−. (2010). *A Historical Grammar of the Persian Language*. Tehran: SAMT. [In Persian]

Bijankhan, M. (2013). *Phonetic System of the Persian Language*. Tehran: SAMT. [In Persian]

Blau, J. (2004). "Gorani and Zaza". *Compendium Linguarum Iranicarum, Second Volume: New Iranian Languages*, Edited by Rüdiger Schmitt, Persian translation under the supervision of Hassan Rezayi Baghbidi, Tehran: Qaqnus, 555- 562. [In Persian]

−−−−−−−−−. (2004). "Kurdish". *Compendium Linguarum Iranicarum, Second Volume: New Iranian Languages*, Edited by Rüdiger Schmitt, Persian translation under the supervision of Hassan Rezayi Baghbidi, Tehran: Qaqnus, 555- 562. [In Persian]

Crystal, D. (2003). *A Dictionary of Linguistics & Phonetics.* Oxford: Blackwell Publishing.

Celebi, E. (1986). *Seyahatname.* cild III-IV [Book of Travels, vol. III-IV], T. Temelkuran, N. Aktas (eds.). Istanbul.

Dabir-Moghaddam, M. (2008). "Language, Variety, Dialect, and Accent: Local and Global pplications". *Adabpazhuhi*, (5), 91- 128. [In Persian]

Fisiak, J. (1981). *Contrastive Linguistics and the Language Teacher*. Oxford: Pergamon Press.

Gunter, Michael M. (2004). *Historical Dictionary of the Kurds.* US: Scarecrow Press, Inc.

James, C. (1980). *Contrastive Analysis*. London: Longman.

Haghshenas, A. M. (2007). *Phonetics*. Tehran: Agah. [In Persian]

Kambuziya, A. and S. M. Sadjadi (2013). "The Syllable Structure in the Hawrami Language Hawramane Takht Dialect)". *Western Languages and Dialects*, 1(2), 57-78. [In Persian]

Lerch. Peter I. A. (1857-1858). *Forschungen über die Kurden und die iranischen ordchaldäer*. 2 vols, St. Petersburg: Eggers.

Leezenberg, M. (1993). "Gorani Influence on Central Kurdish: Substratum or Prestige borrowing?". Conference on Bilingualism in the Iranian World, Germany: Bamberg, 1-20.

Mackenzie, D. N. (1961). *Kurdish dialect studies I*, Oxford: Oxford University Press.

−−−−−−−−−−−−−−. (2021). *The Dialect of Awroman (Hawrāmān-ī Luhōn): Grammatical Sketch, Texts, and Vocabulary.* Translated, Criticized, and Corrected by Sayyed Mahdi Sadjadi, Sanandaj: Tafga. [In Persian]

−−−−−−−−−−−−−−. (2022). "The Origins of Kurdish". Translated, Criticized, and Corrected by Sayyed Mahdi Sadjadi, *Iranian Folklore*, 20 (70), 183- 214. [In Persian]

Mann, O. (1909). *Kurdisch- Persische Forschungen II.1: Die Tajik- Mundarten der Provinz* Fars, Berlin.

−−−−−−−. (1932). *Mundarten der Zāzā, hauptsächlich aus Siwerek und Kor (= Kurdisch- Persische Forschungen, Abt. III, Bd. IV)*, Hadank, K. (ed.), Berlin: Verlag der Preuβischen Akademie der Wissenschaften, in Kommission bei W. de Gruyter.

Mardukh- Ruhani, M. M. (2014). *Persian- Kurdish Dictionary.* Sanandaj: University of Kurdistan. [In Persian]

McCarus, E. N. (2009). "Kurdish". *The Iranian Languages*, ed. G. Windfuhr, New York: Routledge, 587-633.

Minorsky, V. (1943). "The Gūrān". *Bulletin of the School of Oriental and African Studies*, xi, Part 1: 75-103.

Modarresi Ghavami, G. (2011). *Phonetics: The Scientific Study of Speech*. Tehran: SAMT. [In Persian]

Mohammadi, A. and M. Bijankhan (2020). "Syllable Structure in Central Kurdish Language Revisited". *Language Research*, 11 (2), 176- 197. [In Persian]

Morshedi, S. (2014). *The* Zaza *(Dimili) Language*. Tehran: Balkh. [In Persian]

Müller, Friedrich W. K. (1864). "Zaza Dialekt der Kurdensprache". *Sitzungsbirechte der Wiener Akademie der Wissenschaften*, Vienna: (48), 227- 245.

Natel- Khanlari, P. (2000). *Persian Grammar*. Tehran: Azade. [In Persian]

Oranskij, I. M. (2007). *Les langues iraniennes*. Translated by Ali Ashraf Sadeqi, Tehran: Sokhan. [In Persian]

O' Shea, M. T. (2004). *Trapped between the Map and Reality: Geography and Perceptions of Kurdistan.* New York: Routledge.

Paul. L. (1998). "The position of Zazaki among West Iranian Languages". In Sims-Williams, N. (ed.) *Proceedings of the Third European Conference of Iranian Studies* held in Cambridge, *11th* to 15*th* September 1995, Part I, *Old* and Middle Iranian Studies, Wiesbaden: L. Reichert, 163-176.

−−−−−−−. (2003). “The Position of Balochi among Western Iranian Languages: The Verbal System”. In C. Jahani & A. Korn (Eds.), *the Baloch and Their Neighbours: Ethnic and Linguistic Contact in Balochistan in Historical and Modern Times*, Reichert Verlag Wiesbaden: 61-71.

−−−−−−−. (2009). “Zazaki”. *The Iranian Languages.* Edited by Gernot Windfuhr, 545- 586. London: Routledge.

Potts, D. (2022). “Guriania, Γουράνιοι and the Gūrān”. Translated, Criticized, and Corrected by Sayyed Mahdi Sadjadi, *New History*, (31), 36- 56. [In Persian]

Rokhzadi, A. (2011). *Kurdish Phonetics and Grammar.* Sanandaj: Kurdistan. [In Persian]

Ruhani, B. (2002). *The History of Kurdish Famous People: Mystics, Scholars, Writers, Poets*, By Mohammad Majed Mardukh Ruhani, Volume 1, Tehran: Sorush. [In Persian]

Sadjadi, S. M. (2016). “Stress and its Functions in the Hawrami Language”. *Iranian Languages Linguistics*, 1(2), 161- 176. [In Persian]

−−−−−−−−−−. (2019). “Grammatical Gender in Arabic and Hawrami”. *International Journal of Language and Linguistics*, 6 (2), 85- 91.

−−−−−−−−−−. (2022). “Hawraman: The Last Shelter and Base of the Gorani Language, Literature, and Identity”. *Proceedings of Hawraman International Conference: Global* Register, *Culture, and Sustainable Development*, Kermanshah: Razi University, 404- 425. [In Persian]

−−−−−−−−−−. (2023). “Gorani: A Distinct and Independent Language Not a Variety of the So-called Kurdish”. *International Journal of Language and Linguistics*, 10 (3), 1-26.

−−−−−−−−−−. (2024). “Some Linguistic and Literary Features of Literary (Gorani) Dialect of the Gorani Language”. *Proceedings of the 6th International Conference of the Iranian* Languages *and Dialects (Past and Present)*, By Mahmood Jafari- Dehaghi, Tehran: Center for the Great Islamic Encyclopedia, 249- 282. [In Persian]

Sharafkandi, A. (2013). *Hanbanaborina: Kurdish- Persian Dictionary.* Tehran: Sorush. [In Persian]

Soane, AE. B. (1921). “A Short Anthology of Guran Poetry”. *JRAS*jan, 57- 81.

Tedesco. P. (1921). “Dialektologie der Westiranischen Turfantexte”. In *Mo*, 184- 258.

Todd, Terry L. (2008). *A Grammar of Dimili (also known as Zaza)*, PhD Dissertation, University of Michigan, Ann Arbor.

Van Bruinessen, M. (2018). “The Ethnic Identity of the Kurds in Turkey”. Translated by Sayyed Mahdi Sadjadi, *New History*, 8 (25), 97- 106. [In Persian]

Werner, E. (2012). “Considerations about the Religions of the Zaza People”. *International Symposium of the Zaza Language*, 4th to 6th May, Bingöl University, 1-26.

https://titus.uni-frankfurt.de/didact/idg/iran/iranstam.htm

https://www.unesco.org/languages-atlas/